

اُمید

در امریکانته

\$1.50

مقتضای مردم افغانستان

شماره ۱۱۲۷ / شماره مسلسل ۱۱۲۷ / ۲۱ قبروری ۲۰۲۵ / ۱۴۰۳ / سوم حوت ۱۴۰۳ / سوم و سوم / سال سی و سوم

زان آب که چرخ از آن به سر می گردد
بحریست محیط و در وی این خلق مقیم

استاره جانم چو قمر می گردد
تا کیست کز این بحر گهر می گردد

حضرت مولینای بلخ

افغان مینی مارکیٹ عرضه کنندہ
انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانہ مغازہ افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

نگارش محمد

افضل ناصری

را علاقمندان

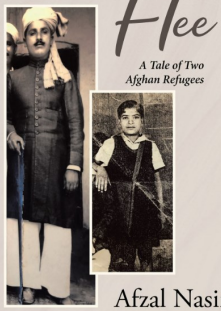
از آمازون به

دست آورده

می توانند.

Amazon.com

amazon



Afzal Nasiri

ضایعه های بزرگ فرهنگی، هنری و ورزشی

در این اواخر جامعه فرهنگی هنری ما ستاره سرنده نواز شهیر، استاد عبدالرشید «ماشینی» لوگری را، و جامعه ورزشی ماقهرمان بی بدیل پرورش اندام، علیرضا آساهی را از دست داد. درباره این مردان افتخار آفرین و نامدار، در این شماره مطالبی انتشار یافته است.



شادروان قهرمان آساهی

در دوره اشرف غنی کمک خارجی به معادل چهل فیصد تولید ناخالص ملی میرسید و تقریباً نصف بودجه عادی و ۷۰ تا ۸۰ فیصد مصارف انکشافی دولت را تمویل میکرد. در شروع سرکار آمدن طالبان کمکهای خارج به حکومت افغانستان کاملاً متوقف گردید و امامعوانتهای بشردوستانه به ملت افغانستان و نه به حکومت افغانستان ادامه پیدا کرد. گفته میشود که امریکا در حدود چهل میلیون دالر کمک در هر دو هفته به افغانستان تقدامیرساند. این کمک نقدی به حکومت طالبان داده نمیشود بلکه به مؤسسات خصوصی غیردولتی (ان جی وو) و دفاتر مربوط ملل متحد کارسازی میگردد تا بین مستحقینی که خود تشخیص و انتخاب می کنند توزیع شود. قرار منابع امریکایی دولت امریکا از سال ۲۰۲۱ تا حال در حدود ۷۰۳ میلیون دالر به افغانستان کمک کرده است. البته امارت اسلامی نیز به نحوی از این مبالغ بهره برداری نموده است. مثلاً پرداخت مالیه از طرف مؤسسات خصوصی دیدخل به امارت، تبدیلی دالر به افغانی توسط د افغانستان بانک به نرخ رسمی نه به نرخ بازار آزاد، و همچنان وارد کردن فشار بالای مؤسسات خارجی از طرف بعض اراکین دولت غرض تقرر بعض طرفداران شان بحیث پرسونل آن مؤسسات، و غیره منافع بوده که به طالبان تکیه کرده است.

به هر حال، به گمان اغلب دولت امریکا توزیع کمک به ملت افغانستان را قطع نکرده، بلکه به آن ادامه خواهد داد و حاجتی به سخاوت خیالی دکتر احدی صاحب باقی نخواهد ماند.

حکایتی از بهلول دانا

* روزی خلیفه هارون الرشید و جمعی از درباریان به شکار رفته بودند. بهلول با آنها بود در شکارگاه آهوئی نمودار شد. خلیفه تیری به سوی آهو انداخت ولی به هدف نخورد.

بهلول گفت احسن!!!

خلیفه غضبناک شد و گفت مراسمخره می کنی؟

بهلول جواب داد: احسن من برای آهو بود که خوب

فرار نمود. /



شادروان استاد ماشینی

طالبان صرف شکل کمک بشری را اختیار کرده و به حکومت طالبان داده نمیشود چونکه نظام طالبانی هنوز رسمیت بین المللی و کفایت لازم حاصل نکرده است.

بگمان اغلب تصمیم اخیر بریزدنت ترمپ افغانستان را استثناء قرار داده و به کمکهای بشری خود برایش ادامه خواهد داد زیرا افغانستان دچار بحران شدید اقتصادی می باشد. طبق (شاخص چندبعدی فقر جهانی) مرتبه پروگرام انکشافی ملل متحد (یو ان دی پی) در افغانستان ۴/۸ فیصد افراد پائینتر از سن هجده هرسال می میرند، ۵/۳۷ فیصد اطفال از رفتن به مکتب محروم اند، ۸/۴۳ فیصد اطفال مکتب رو دوره تعلیم را تکمیل نمی توانند، ۳۸ فیصد مردم از داشتن خاک انداز کم و بیش صحی محروم اند، ۲۷ فیصد اتباع آب آشامیدنی صحی در دسترس ندارند، ۱۳ فیصد فاقد انرژی برق اند، ۵۱ فیصد سرپناهی که دارای بام و دیوار و دروازه باشد ندارند، ۵۰ پنجاه از سرگین و برگ درختان و چوب و چخت برای پخت و پز خوراک و تسخین کار میگیرند و ۲۹ فیصد فاقد هرگونه وسایل از قبیل یک بایسکل، یک رادیو، تلفون، کامپیوتر، یخچال و سائر اشیای کار آمد روز می باشند.

عاید سرانه کمتر از دوهزار دالر در سال تخمین شده و در حدود ۲۸ میلیون نفر دچار سوء تغذی بوده و اکثر کسانیکه احتیاج دارند مجبوراً از ادویه جات تاریخ تیر شده و غیر مؤثر کار می گیرند.

بر علاوه این مشکلات، حوادث ناگوار هم از قبیل زلزله، خشک سالی، سیلاب، قحطی، بیکاری، مهاجرت های اجباری و غیره بالای زخمهای مردم بیچاره ما بیشتر نمک پاشی کرده که درعین زمان خسارات هنگفت جانی و ضرربه اسکان، اراضی زراعتی، مواشی و حاصلات و زیر بنای اقتصادی می رسانند. درپهلوی این همه بی کفایتی اراکین دولت مشکلات ملت را مضاعف گردانیده است. خلاصه که افغانستان در قطار بیست فقیرترین کشور دنیا قرار دارد و لهدی شدیداً به کمک بیرونی محتاج می باشد /

تحریم کمکهای امریکا و ترخیص دارایی منجمد شده در عوض؟

پروفیسر دکتر ذبیح الله الترام گلبرت، اریزونا بعد از خروج قوای امریکا از افغانستان بریزدنت بایدن امر انجماد هفت بلیون دالر د افغانستان بانک را که در بانک نیویورک ذخیره بود صادر نمود تا بدست طالبان نیافتد. متعاقباً نصف آنرا در سویس به یک حساب امانت انتقال داد و صلاحیت برداشت از آنرا به یک هیئت معتمدان (امنا) سپرد که متشکل است از چهار نفر بشمول دو افغان (دکتر احدی و پروفیسر محرابی). این هیئت صلاحیت دارد تا از پول این حساب برای پرداخت معاشات و خرید برق و سائر ضروریات عاجل در افغانستان استفاده نماید.

بریزدنت ترمپ در روز اول نشستش بر کرسی ریاست جمهوری بیش از صد فرمان تقنینی توشیح کرد که منجمله تعلیق کمک به کشورهای خارج برای مدت سه ماه میباشد. در نتیجه از هر طرف سر و صدا بلند شد و در حلقه های افغانی هم تشویش فراوان خلق گردید.

اخیراً دکتر صاحب احدی مبادرت به لک بخشی کرده احياناً اظهار فرموده که بملاحظه تعلیق کمکهای جاری، پولهای بانک مرکزی افغانستان که در سویس است به افغانستان برگردانیده شود. اما این یک خواب است و خیال! دکتر احدی یک از جمله چهار نفر بود امنا است حالانکه هر فیصله مستلزم قبولی هر چهار نفر میباشد. سیاست امریکاموافق نداد تا با حکومتیکه بزعم امریکا قانونیت بین المللی حاصل نکرده اند تعامل صورت بگیرد و بنابراین بدون حاصل کردن قناعت امریکا دکتر صاحب احدی نمیتواند راجع به انتقال پول د افغانستان بانک به کابل تصمیم اتخاذ نماید.

علاوئاً امریکا تقاضا دارد که سلاح و مهمات نظامی شان که بعد از خروج از افغانستان به عقب مانده است به امریکاتسلیم داده شود. مبلغ سه و نیم بلیون دالر منجمد شده دگر به بانک حل منازعات بین المللی انتقال یافته که شاید در بررسی ادعای فوق الذکر امریکا درآینده به نفع امریکا بکار برود. ناگفته نماند که عده ای از افغانها نیز تازمانیکه موضوع انسداد مکتب دختران بکطرفه نشود از انتقال پول منجمد شده به دولت طالبان جانبداری نمیکند و هم نباید کنند. مزید بر آن ادارات طالبان کاملاً فاقد شفافیت و حسابدهی به ملت میباشد و بنابر آن از حمایت ملت برخوردار نیستند.

نکته مهم دیگر اینست که گیرم امریکابه پس گردانیدن چنین مبلغی هم موافقه نماید، طالبان به هیچ وجه قادر به استفاده درست از آن نیستند. اشخاص مهم طالبان اجازه سفر به خارج را ندارند. جستجوی مراجع معصون و مفید برای پس انداز و یا سرمایه گذاری مسافرتی متعدد و دوامدار و دید و وادید متواتر و مقابله به خارج را ایجاب می نماید که از دور و صرف از طریق تلفون و فکس عملی شده نمی تواند. تنها حافظ شیرازی بود که می پنداشت:

روی نگار در نظرم جلوه می نمود

از دور بوسه بر رخ مهتاب می زدم!

گذشته از همه استفاده مؤثر از چنین یک مبلغ هنگفت توسط افرادی که جو دو خر را تقسیم نتوانند یک امر محال به نظر می رسد. یکی از شروط امریکا مبنی بر انتقال دارایی منجمد شده اینست که د افغانستان بانک ثابت کند که طالبان بالایش نفوذی اعمال نمی تواند.

کمکهای امریکا به خارج سه جنبه دارد یعنی سیاسی و اقتصادی و بشری. کمک سیاسی معمولاً به حکومت مشروع اعطاء میشود. کمک اقتصادی به منظور بلند بردن تولیدات ملک کمک گیرنده کار سازی میگردد تا بالاخره به منفعت اقتصادی جانبین منجر گردد.

کومک بشری غرض رفع مشکلات اضطراری عوام الناس تأدیبه میشود. چون مردم افغانستان پیوسته دچار بحران شدید اقتصادی می باشند کمک مالی امریکا بعد از به قدرت رساندن

مادرم

به چه تشبیه کنم دل یکرنگ ترا
 به چه تعبیر برم خوی خوش رنگ ترا
 واژه هایم قاصر، دست هایم لرزان
 از تمامیت تفسیر بزرگی هایت
 مادر همسان آرامش سرچشمه پر باری است،
 هر سر آغازی را
 دلی دارد پر مهر و صمیمی به همه
 دوستی هاش گسترده ، راستی هاش درست ،
 همواره و پیوسته جاری و تازه و بی پایان است ،
 مثل دریای سراسر همه لطف
 که دل بحر نوید و ثمری مقصد اوست
 مهربانی ها دارد ، حتی، در سرد شب یاس خشک،
 و در اقلیم قهر و ستم
 مادرم وسعت بحریست ز مهر ،
 فکرش از موج محبت سرشار
 مادرم مانند راحت آرام هواست ، هم طراز نفس پاک

صبح

زندگی کردن خوب ، به کنارش خوش و بایسته است
 درک آن گرم نفس هاش ، دلی از درد به درمان آرد
 مادرم قامت آزادگی میهنم است
 با تو از آزادی در تلخ ترین فصل زمان می گوید
 پایدار است به عزم ،
 و دلیر است به رزم ، استواری دارد،
 بردباری دارد
 طاقت اش کوه وار است و سترگ
 مادرم حوصله باغ زمستانی در خود دارد
 تا شگوفایی فصل رویش و بلوغ
 مادرم مظهر کار است ، او هر لحظه و هر لمحہ دست اندر

کاربست

با صداقت سررشته مهارت هایش را، پر ثمر می بافد
 هر سحر سلسله انگشت با همت او
 چیزی از جنس هنر می آرد و هم کارد
 مادر آموزگار است پر از درس خلوص
 گاه درخانه گهی مکتبی،
 گاه به فرزند گهی شاگردش،
 خردپخته همواره او
 درس اخلاص و صداقت دارد، به الله، به وطن،
 به صراحت، به نوید
 او الهامی را به همه می بخشد ،
 کار و پیکار و ثمر بخشی را
 مادرم سخت سخاوتمند است
 سفره ی ساده گل دوزی دستان خودش،
 با خورش های خوش مزه یی
 میزبان بوده به هر مهمانی ،
 دست بازش به نیاز فقرا پاسخ خیری دارد
 مادرم عید من و نوروزم و هر روزم را
 بانوازشگری آن نگه گرم و پر از عاطفه اش
 تحفه ی مهر به ره می آرد
 مادر همگام من و همفکر من ، همره و همدم هر دم دل

تنگ

ای سرت، آن سر پر ارج و دلیر ، است هر لحظه به درد
 گاه از دوری فرزند شده چشم تر،
 گاه از فکر وطن خاطر آزرده ترا
 که چه ها خواهد شد ، و کی ها خواهد رفت
 مادر هر آن نگران از ستم تلخ زمان
 ای ملول از بدبختی آن دخت وطن
 که همه روزنه ها هر روزی ، به رخس قفل شود،
 مکتب اش بسته به او
 کار بگرفته از او، و خودش بازی دستان جهالت گردد
 سر مادر اما، دایم از بهره امید شکوهی دارد
 دیده اش به یکی تازه نویدی در راه
 به سحر گاه طلوع خورشید محبت ز وطن
 مادر از غصه ترا را می سازد
 دل خوشی هایت پیوسته ،
 آراسته ی بودن اوست

باید خاطر نشان شود که حالا و نیز در گذشته به نیروی
 مهاجرین احتیاج مبرم وجود داشته و کشورهای صنعتی قسماً با
 استفاده از این منابع بشری پیشرفت کرده اند. رهبران پوپولیست
 اکثر مردم محروم و ناآگاه و خوش باور را اغوا و گمراه کرده و
 باعث ایجاد تنش، دشمنی و خصومت در جوامع خویش می شوند.
 آن ها برای پیش برد اهداف خود بعضی از دستاوردهای علمی را
 زیر سوال برده، گرمایش زمین را رد می کنند و هر چیزی را که
 برای کشورشان در کوتاه مدت مسوولیت ایجاد کند، قبول ندارند.
 به همین دلیل موثریت وجود بسیاری از سازمان های بین المللی
 عمده، مثل سازمان ملل متحد، سازمان جهانی صحت، یونسکو و
 دیگر موسسات بین المللی را زیر سوال برده و از جمله موافقت نامه
 مهم پاریس در مورد تغییرات اقلیمی را که به آینده جهان ارتباط
 دارد، رد می کنند.

اکثر این سازمان ها در سطح جهانی برای تامین عدالت
 نسبی تلاش کرده اند و به کشورهای نیازمند کمک می کنند و از
 طرف کشورهای غنی تمویل می شوند. این روند پوپولیستی و
 ملی گرایی، که اکثراً توسط مردمان تنگ نظر رهبری می شود، به
 منافع کوتاه مدت، از جمله قطع کمک ها به سازمان های بین المللی
 و توقف سهم گیری در فعالیت های بشری توجه دارند.

آنان خطر گرمایش زمین را، که اسناد موثق و علمی آن
 را تثبیت کرده، قبول ندارند و آن را جدی نمی گیرند. این رویه
 آن ها به صلح و ثبات بین المللی صدمه زده و آینده انسان ها را به
 مخاطره می اندازد.

چندجانبه گرایی در چارچوب عضویت در نهادهای
 بین المللی به کشورهای کوچک صدا و نفوذی می دهد که در غیر
 آن در اختیار ندارند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۲
 دسامبر ۲۰۱۸ قطع نامه ای به نام «روز بین المللی چندجانبه گرایی و
 دیپلماسی برای صلح» (با اکثریت آرا (و تنها با دو رای مخالف)
 تصویب کرد. در آن قطع نامه چندجانبه گرایی یک عامل عمده
 برای استقرار صلح، امنیت و همکاری در سطح جهان دانسته شده
 است. در چندجانبه گرایی سعی می شود که برای تمام اعضا حقوق
 و تعهدات یکسان تعیین شود. از این رو، چندجانبه گرایی هم یک
 روش همکاری و هم شکلی از سازمان دهی بین المللی است.

در فقدان چندجانبه گرایی، جهان دچار آنارشی و
 یکه تازی برخی از قدرت ها خواهد شد و همه چیز به نفع
 قدرت مندان خواهد چرخید. اما متأسفانه امروز بعضی از کشورها
 با احساسات شدید ملیت گرایی و ترویج بیگانه ستیزی،
 چندجانبه گرایی را نفی کرده و آن را به زیان کشور خود تبلیغ
 می کنند.

وجود سازمان های چندجانبه گرا را غیر مفید دانسته و
 عضویت در آن ها را ضیاع وقت و پول می دانند که البته این
 درست نیست. این سازمان ها برای استقرار صلح، امنیت و همکاری
 جهانی ضروری اند.

در عین حال، امید می رود که سیاست های تندروانه و
 غیر واقع بینانه رهبران مخالف چندجانبه گرایی و آنانی که تدابیر
 فراملیتی را برای ایجاد جهان عادل و امن غیر ضروری می دانند،
 منجر به بیداری جهانی شود و دولت ها به حفظ و تقویت نهادها و
 توافقات بین المللی بیش تر توجه کنند.

به هر حال، رهبران، فعالان و سیاستمداران جهان
 به منظور تقویت همکاری جهانی و در مواجهه با پوپولیسم
 روزافزون باید اقداماتی انجام دهند. از جمله لازم است برای جلب
 حمایت جهانی از سازمان های بین المللی به اصلاحات در این
 سازمان ها و کاهش هزینه های غیر ضروری و رفع بروکراسی های
 دست و پاگیر اقدام کنند تا موثریت کار این نهادها بیش تر شود و
 شفافیت، پاسخ گویی و پویایی در فعالیت های آن ها افزایش یابد.
 در همین حال لازم است تا برای تقویت اعتبار سازمان های
 بین المللی و مواجهه با تبلیغات پوپولیست ها، درباره نمونه های
 موفقیت حاصل از همکاری بین المللی آگاهی دهی شود.

دولت ها و نهادهای حامی چندجانبه گرایی باید در مورد
 عوامل رشد پوپولیسم و گریز از چندجانبه گرایی گفت و گو و
 تحقیق انجام دهند و برای رفع نقایص اقدام کنند.

ترویج عدالت اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده از
 نفوذ و اعتبار نهادهای بین المللی به سود کشورهای قدرتمند و
 کمک به توزیع عادلانه منابع و منافع حاصل از همکاری جهانی نیز
 می تواند به کاهش احساسات پوپولیستی کمک کند.

در برابر تبلیغات پوپولیست ها باید رسانه ها، مرکزهای
 علمی و فعالان سیاسی گفت و گو و آگاهی دهی در مورد
 چالش های مشترک (مانند تغییرات اقلیمی و بحران های صحتی) را
 که نیاز به اقدام جمعی دارند، افزایش دهند و برای ادامه ثبات و
 بقای مدنیت بشری بر ضرورت همکاری بین المللی تاکید کنند. /

فیرفکس ، ورجینیا

ظهور پوپولیسم و بحران چندجانبه گرایی

چندجانبه گرایی اصطلاحی است که پس از جنگ جهانی
 دوم وسیعاً مورد استفاده قرار گرفته است، اما دیپلماسی چندجانبه
 خیلی قدامت دارد و اکثراً آغاز آن را به پیمان وستفالی نسبت
 می دهند که در سال ۱۶۴۸ به جنگ سی ساله اروپا خاتمه داد.
 تاسیس جامعه ملل نقطه عطف مهم در توسعه چندجانبه گرایی
 شمرده می شود. این اولین سازمانی بود که برای حفظ صلح و
 همکاری های بین المللی بعد از جنگ خانومان سوز ۱۹۱۴ تا
 ۱۹۱۸ به ترتیب چندجانبه گرایی جهان مدرن شکل گرفته و نهادینه
 شد. چندجانبه گرایی با تکثیر سازمان های سیاسی و اقتصادی
 بین المللی در سطح جهان همراه بوده است. این سازمان ها تا پایان
 قرن نوزدهم عمدتاً محدود به کشورهای اروپایی بود و با ایجاد
 سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ شکل وسیع اختیار کرده و
 کشورهای قاره های دیگر نیز شامل این سیستم شدند. با ایجاد
 سازمان ملل متحد، اصطلاح چندجانبه گرایی گسترش یافت و
 سازمان های متعدد جهت انجام اهداف مختلف به میان آمدند. محور
 اصلی این اهداف حل و فصل مسالمت آمیز منازعات بین المللی،
 یعنی حفظ صلح و رد جنگ است.

در سیستم سازمان ملل متحد ۱۷ آژانس تخصصی وجود
 دارد که هر کدام در یک ساحه حیاتی، مثلاً زراعت، صحت،
 هوانوردی، دریانوردی، کار، صنعت، آموزش، فرهنگ، مخابرات
 و مالکیت معنوی، به انسان ها کمک می کند. سازمان های عمده
 دیگری خارج از سیستم ملل متحد وجود دارند و در عرصه های
 مختلف فراتر از مرزهای سیاسی به امور بشری می پردازند. اکثر
 این سازمان ها در زمان نیاز تاسیس شده اند. تاسیس هر کدام آن ها
 در تاریخ بشر پیشرفتی به شمار می آید و کمک هایی که توسط این
 سازمان ها به نیازمندان ارایه می شود قابل قدر است. این سازمان ها
 دیپلماسی چندجانبه گفت و گو و تفاهم را بین کشورها ارتقا داده و
 به کاهش تنش و جلوگیری از جنگ کمک می کنند. همین حالا
 تعدادی از این سازمان ها مثل دفتر کمیساریای عالی پناهنده گان،
 صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، برنامه جهانی غذا و
 سازمان جهانی صحت در افغانستان فعال هستند و به مردم
 کمک های بشردوستانه ارایه می کنند.

البته این سازمان های بین المللی مشکلات خود را دارند.
 آن ها دارای بروکراسی سنگین هستند و قسمت زیاد بودجه سازمان
 های بین المللی صرف مصارف اداری و بروکراسی داخلی آن ها
 می شود و در نتیجه موثریت کار آن ها کاهش می یابد. با وجود این
 همه کمبودی ها، حضور سازمان های بین المللی در صحنه جهانی،
 مخصوصاً برای کشورهای فقیر مهم است. مثلاً، برنامه جهانی غذا
 به همه کشورهایی که کمبود مواد غذایی دارند کمک نسبی ارایه
 می کند. سازمان جهانی صحت در برابر مریضی های ساری مبارزه
 کرده و بعضی از آن مریضی ها را طی سال ها از بین برده است.
 سازمان ملل نیز یک تربیون صلح برای کشورهای ضعیف بوده و
 صدای آن ها در خیلی از موارد از طریق سازمان ملل به گوش
 جهان می رسد.

با موفقیت روزافزون سیاسی پوپولیست ها در کشورهای
 غربی و دیگر نقاط جهان، به نظر می رسد جهان در حال تکه تکه
 شدن، ترک موافقت نامه ها و سازمان ها، افزایش انزوای گرایی و
 یکه تازی است.

در کشورهای غربی و بعضی کشورهای شرقی مثل هند،
 پوپولیسم همراه با احساسات شدید ملی گرایی نزدیک به
 احساسات فاشیستی رشد بی سابقه کرده است. از آنجایی که اکثر
 این کشورها رژیم دموکراتیک دارند، لذا زمامداران از راه
 تحریک احساسات مردم با توسل به وعده های کلی و خوشایند
 برای اکثریت، رای می گیرند و به قدرت می رسند. امروز رهبران
 این حرکت ها بیش تر به خصومت های نژادی و مذهبی دامن
 می زنند و مشکلات جامعه را ناشی از حضور خارجیان و مهاجرین
 و اقلیت ها، و نتیجه کمک به فعالیت ها و اقدامات بین المللی
 می دانند.

Imaid Weekly
 12286 Ashmont Ct. # 202
 Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
 Tel/Fax : (703) 491-6321
 mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

انجنیر عبدالصبور فروزان

نیوجرسی

تعبیر دوگانهٔ طالبان از قرآن دربارهٔ مواد مخدر

ز ما بر صوفی و مسلّاً سلامی که پیغام خدا دادند ما را ولی تأویل شان درحیرت انداخت خدا و جبرئیل ومصطفی را (اقبال)

(توضیح ضروری: درمتن این مقاله، هرجا که «شبکه» ذکرشده، منظور «شبکهٔ جهانی قاچاق موادمخدر» می باشد. همچنان «م م» یعنی «موادمخدر»)

طی بیست سال گذشته، زرع، تولید وگسترش م م درمناطق تحت حاکمیت طالبان نسبت بهمهٔ جهان به شکل سرسام آوری بلندرفت وافغانستان بلندترین مقام رادرجهان درین عرصه حایز شد! اکثر نواحی جنوبی کشور بویژه هلمند، فراه، نیمروز وزابل وقندهار که تحت حاکمیت طالبان بودند، مراکزبزرگ وعمدهٔ تولید وقاچاق م م درجهان بود. درطول این مدت بیش ازچهل هزارتن م م درآن مناطق تولید وبه بازارهای اروپایی، آسیایی وعربی توسط سرکرده گان طالبان وهمدستان خارجی شان سرازیر شده است. طی این مدت طالبان جزء «شبکه»شدندکه شامل قاچاقبران امریکای لاتین، اروپا، عدّه از کشورهای افریقایی وعربی بود.

شبکهٔ بخش افغانستان راکه بزرگترین تولیدکنندهٔ م م بود، طالبان رهبری ومدیریت میکردند. ازاینکه م م باکیفیت عالی بدون تهدید ودردسر به قیمت ارزان درمناطق جنوبی افغانستان که تحت حاکمیت طالبان بودند، به اندازهٔ غیرقابل مقایسه بادیگر نواحی جهان تولیدمی شد، قاچاقبران مقتدرم م درکشورهای امریکای لاتین وعربی، اروپایی وافریقایی توجه خاص به طالبان مبذول داشتندو با آنها تماسهاو تمهداتی برقرارنمودند و سرکردگان طالب رانه تنهاشامل «شبکه»ساختند بلکه زمینه های خوشنودی آنهارانیزفراهم کردندتا اعتمادآنهاراجلب کرده باشند. چنانکه این شبکهٔ جهانی وقتاً فوقتاً باطالبان همکاری وهمدلی ودوستی میکردند.

قراراطلاعات حاصله ازناظران عینی، این دوستی به حدی بود و ملا منصورآخوند در«شبکه»به اندازهٔ قدرتمندشده بودکه سبب نگرانی شدید مقامات امریکایی گردید وامریکابرای خنثی کردن تلاش های اوبرای قاچاق به بازارهای امریکا، اوراهدف قرارداد ودریک حملهٔ پهبادی باده تن ازبادیگاردهایش درراه بین قندهار و کوئته نابود کردند.

یکی ازتلاشهای طالبان درآنزمان این بودتا اگرتوانند م م بخصوص هیروئین را مستقیماً به بازارهای امریکا برسانندکه پول بیشتری بدست میآوردند، و برای این منظور رهبران طالبان فیصله کردند تا حاجی بشیر نورزایی راکه اهل قندهاربود ودرقاچاق م م استعدادبینظیرداشت توظیف نمایند. اوهمکاری «شبکه م م» توانست بامقدار هنگفت هیروئین موفقانه ازقندهاربه کراچی واز آنجا به دویی وبالاخره به میدان هوایی (جی اف کی) نیویارک برسد.

این پلان دراصل طرح سازمان سی آی ای درزیرپوشش شبکه بود واجنت های مخفی سیا توانستند اورا اغواکنندو قدم بقدم اورا همراهی نمودند ودرمیدان هوایی مذکور بامقدار قابل توجهٔ هیروئین که باخود داشت، تسلیم قانون کردند. پس ازحکم دادگاه به هفده سال زندان در گواتانامومحکوم شدتا اینکه دریک جورآمدی میان طالبان وامریکاییها درپستمبر ۲۰۲۲ بایک امریکایی بنام مارک فرریکس مبادله گردید.

حاجی بشیرنورزایی که یکی ازقاچاقبران بزرگ ومقتدر م م بوده، ازجملهٔ نزدیکان ملاهیت الله رهبرطالبان میباشد که اکنون باچینیایی هادراستخراج و قاچاق منابع نفتی کشورهمدست است که البته درآمدپولی خوبی برای طالبان است ولی درانکشاف مملکت ورهایش مردم نه تنهاکمکی نمی کندبلکه تاثیرات منفی هم دارد. طالبان طی بیست سال گذشته برای گسترش کشت و تولیدم م وافزایش تولیدآن، مردم راتشویق وحمایه مینمودندوبرای تحقق این پلان، قرآن مجید راوسیله ساخته ودرمساجددرین موردتبلیغ میکردندکه گویا کشت وتولیدم م نه تنهاخلاف شریعت نیست بلکه اجرعظیم هم دارد، چون برای طالبان مدرک مالی تهیه مینمایدتادریبرابر کفار بجنگند(منظورطالبان از (کفار) بیشترافسران وسربازان قوای مسلح کشور وکمترقوای ناتوبود، چون با ایشان کمترین رقم درگیری راداشتند.)

این طرز تأویل طالبان کاملاً خلاف هدایات قرآن است. خداوند(ج) میفرماید: «وتعاونو علی البرّ والتقوی ولاتعاونو علی الاثم والعدوان»جنرال جان نیکولسن که قوماندان قوای امریکادرافغانستان بود درمصاحبه بانویوارک تایمز گفت: « حدافل بیش ازدوصدملیون دالرتاسال ۰۱۷ازبابت قاچاق م م به حسابات بانکی رهبران طالبان درکشورهای مختلف تحت نامهای متفاوت واردشده است و عاید طالبان ازطریق قاچاق م م ونظارت برآن به بیش ازده ملیون درماه درآن سالها می رسید. «

طالبان در ۲۰سال گذشته دشت بکوا مربوط ولایت فراه را به بزرگترین مرکز کشت، تولیدوقاچاق م م تبدیل کرده بودند. دهاقین دشت بکوامیگویند طالبان به ماخیانت کردند، همین ملاحاومولوی های طالبی بودندکه دیروز موعظه میکردندکه کشت وتولید وقاچاق م م ازنگاه قرآن وحديث شرعی است وثواب و اجر دارد، ولی امروزکه بقدرت رسیده اندمیگویندغیرشرعی و حرام وگناه است! مانمیدانیم کدامیک راقبول کنیم واین تفسیردوگانه قرآن واحادث مارا گیچ کرده است. حاجی عبدالسلام یکی باشندهٔ دیگردشت بکوا به نیویارک تایمزگفت: «طالبان ازهمان اول آدمهای خشن وسنگدل بودند و هرتبلیغ رابه نفع خودمیکردند، مردم رامی کشتندوجاسوس خطاب میکردند. حتی آنهایی راکه بحیث مهمان به دیدن اقاربشان می آمدند، جاسوس گفته میکشندند.»حاجی امان الله گفت: مردم طالبان راخوش نداشتند، انسانهای خوب نیستند ولی یهود ونصارا راهم نمی خواستند.

بامنع کشت تریاک هزاران دهقان کارخودرا ازدست دادند وبه فقردچارشده اند. این دهقانان فقط کشت میکردند ولی منفعت اصلی راطالبان میگرفتند. حالاهم طالبان منفعت زیاد دوچندمیکنندچون تریاک زرع نمیشود قیمت م م چندین چند بلندرفته وسر کرده های طالبان مقدارزیاد تریاک راذخیره دارند و حالابه قیمت بلندمیفروشند ولی دهقانها به نان گدا شده وحتى زمینهای شان راکسی به مفت هم نمی گیرد. حاجی عبدالسلام افزود: آخرین مردم کسانی اندکه برای طالبان پول تولیدمیکردند، ولی امروزهیچ غم آنهاراندارند.»

یکی دیگرازفعالیتهای طالبان برای ضربه زدن به دولت ومردم وتولید دردسر به آنها، پخش وگسترش هیروئین، تریاک، چرس و م م Methamphetamineدرشهرها، ولایات ومناطق تحت کنترل دولت بود. درین تکتیک طالبان کوشش داشتندتاهرچه تعداد بیشترمردم بخصوص جوانان رابا م م که به قیمت خیلی ناچیز وحتى رایگان میسرمیساختند معنادسازند. طالبان توسط گماشتگان خودمقداروسیع هیروئین وسایرم م رابه شهرهاوولایات بخصوص به شهرکابل که نفوش نسبت به همه جایبیشتربود پخش وتوزیع میکردند.

این مواد در اینجاها بقدری فراوان بودکه معتادین مجبورنبودند برای بدست آوردن آن زحمت بکشندبلکه اکثرا باقیمت خیلی نازل وحتى رایگان میگرفتند.طالبان در این تکنیک خودخیلی هاموفق بودند وتوانستند طی ۲۰سال بیش ازچهارملیون انسان راکه اکثرشان جوان بودند معنادگردانندواین معتادین دردسربزرگی برای دولت ، بلکه ناتوانی آنرا به جلوگیری م م درانظار خارجیان نشان میداد که رفته رفته دولت اعتمادخودرا ازدست داد ومعتادان باردوش بزرگی شدند که درکنج وکنارشهرهای بزرگ تجمعات شان دیده میشد. درمیان معتادان بیش ازیک صدهزار زن نیزبودند. اکثرمعتادان درزیر پل ها، قبرستانها وبدرفتها تجمع میکردند ودود وتعفن م م آنها عابرین را اذیت میکرد.

درواقع طالبان بااین عمل شان ضربهٔ شدیدی به پیکرجامعه وخانواده ها وارد کردند، حیات ملیونهاجوان رابریاد دادند وهزاران خانواده رابه سیاهروزی کشاندند، وملیونها پدر ومادر را پریشان ونگرام جوانان شان کردند.

طالبان همانطورکه دربیست سال مسئول بی امنیتی، کشت وکشتار، ویرانی و خرابی، قطاع الطریقی واتحاری بودند، مسؤول معتادشدن جوانان مانیزشدند. جای تعجب است که اکنون طالبان همین جوانان معناد رالت وکوب کنان از محلات مجتمع شان جمع نمود وشکنجه وزندانی مینمایندو بااین عمل به کشورهای جهان وسازمان ملل نمایش میدهندکه گویآنهامعتادان راکمک می نمایند تاجلب توج شود ویول ودالر برایشان سرازیرگردد!

ناظران به این عقیده اند که منع زرع م م توسط طالبان یک عمل نمایشی بود، مقدار تولیدآن اکنون درافغانستان افزایش یافت چنانچه درسال ۲۰۲۲ به اندازهٔ ۶۲۰۰ تن تریاک تولیدو طالبان بخاطرجلب همکاری های پولی سازمانهای جهان وایالات متحده درسال ۲۰۲۳ اعلان کردندکه اندازهٔ کشت م م را تقلیل بخشیده اند، که جزء تمهدات امریکا باطالبان درمعاملهٔ انتقال بیش از۴۵ ملیون دالر درهفته برای طالبان میباشد! آنان میدانند که اگر نشان

نصیراحمد رازی

سدنی ،آسترالیا

واژه های تصوف

موی لب راست کردن : اصلاح وسلمانی کردن موی لب و شارب. ابوهریره رضی الله عنه روایت کند که رسول(ص) گفت: یا ابا هریره! موی لب را راست کن که چون بنده موی لب راست کند، چون قرآن خواند فرشتگان به نزدیک وی روند واگر موی لب دراز دارد به نزدیک وی نروند. چندروزی وحی نیامد، رسول خدا با یاران بنالید وگفت چه گونه وحی به من آید که شما موی لب راست نمی کنید وناخن نمی گیرید. چیست که شما به نزدیک من می آیدید ودندانها زرد ومسواک ناکرده و ناخن ناچیده وموی لب باز ناکرده.

فتوح : دلغلت گشایش، نذر ونیازی که مردمان به خانقاه تقدیم می کنند و محل اصلی درآمد خانقاه وصوفیه بوده است. حافظ گوید :

نذر و فتوح صومعه در وجه می نهم

دلق ریا به آب خرابات بر کشیم

غلط کرده یی: یعنی در اشتباهی، برخطایی. امروز مفهوم

این تعبیر عوض شده است ونوعی دشنام تلقی میشود. ولی در گذشته به معنی اظهارنظر مؤدب در موردخطای افراد استعمال می شده است، وگاه به صورت غلط افتادن یاغلطی یعنی اشتباه می کنی. چنانکه دراین بیت حافظ :

دیشب گلهٔ زلفش با باد همی کردم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

قرا : درفارسی به معنی مفرد ودراصل عربی جمع قاری

(خواننده، خوانندهٔ قرآن و عالم علم قرائت) است. ولی ازتأمل درمتون فارسی قرون پنجم وششم بویژه متون عرفانی دانسته میشودکه این کلمه به معنی زاهدانی است که با زهد خویش مایهٔ درد سردیگران می شده اندوبدین مقام بسیارمغرور بوده اند. قرائی و زاهدی تقریباً درمعنی مترادف یکدیگربه کار رفته است. قراء که جمع آن درفارسی قرآن یا قرایان است، مردمی بوده اند که به عربی آنان را- دراین معنی - متقر می خوانده اند. بویزد بسطامی از دست آنان شکایات بیسارداشته ومی گفته است (قرآن بسطام مرا پیر کرده اند. ای کاش ایشان را ندیده بودمی، ومیگفت ای قرا آنگونه که هستی خویشان را بنمای یاآنچنان باش که می نمایی!) از همین سخنان بایزد میتوان فهمید که قرآن یامتقرئین مردمی غالباً متظاهر به زهد بوده اند وازمعنویت آن بی بهره . ازاین کلمه در فارسی حاصل مصدر قرائی را داریم که به معنی زهدریایی است.

چهله داشتن، اربعین برآوردن یا اربعینیه نشستن: **چهل**

شبانه روزه عبادت و انزوا و اعتکاف پرداختسنن واز غذایی بسیارکم ومحدود برطبق قرارمعین استفاده کردن، واین کار از رسوم معهود صوفیه بوده ومستند آن حدیثی است «هر که چهل بامداد دل باخدای خالص گرداند چشمه های حکمت ظاهرشود از دل برزبانش. «که به صورت های مختلف آنرا نقل کرده اندودر غلب کتب صوفیه فصلی درباب آداب چهله نشینی وجود دارد وحافظ به همین رسم نظر داشته که می گوید :

که ای صوفی شراب آنگه شود صاف

که درشیشه برآرد اربعینی

طیلسان : پرده ماندی بوده است که روی سروشانه هامی

افکنده اند **ویشتر** لباس علمای دین واهل زهد بوده است. نوع خاصی ازآن را«طاق»می خوانده اند (شاید نوع سبز رنگ آنرا) ودرشعر وادب فارسی شواهد بسیاراست که نشان می دهد نشان علمای دین بوده است. ناصرخسرو درخطاب به علمای عصرخویش گوید :

نی نی که نیی به علم مشغول مشغول به طاق و طیلسانی مؤلف اسرارالتوحید آنرا به عنوان لباس یهودیان یاد کرده

وگاه ازآن از کلاه دراز که ویژهٔ یهودیان قرن اول بود سخن می گوید. ناگفته نبایدگذاشت که مردم پشتون نیزآنرا با لباس محلی خودبکار می برند.(منبع تحقیق: اسرار التوحید)

ندهند که م م را منع ساخته واز کشت آن جلوگیری مینمایند امریکا وسازمان مبارزه بام م م به ایشان پول نمی دهند.

لذا فرمان ملاهیت الله بخاطراین نیست که کشت وتولید

و استعمال م م در اسلام حرام است، بلکه برای آنست تا هفته وار ۴۵ ملیون دالر بگیرند. به عبارهٔ دیگر این فرمان به خاطرخوشنودی خداوند نی بلکه به خاطر خوشنودی مقامات امریکااست ، به خاطراجر و ثواب ازخداوند نی، بلکه بخاطر دریافت دالر از امریکامی باشد !/

امان الملك جلاله باباجان سپرنگفیلد، ورجینیا

اعلیحضرت آدمخور صفحه یی از تاریخ چترال

زمانیکه شاه افضل الملک ثانی پادشاه چترال درسال ۱۸۵۳ وفات نمود، ازو نُه پسرباقی ماند:

پسرارشد و ولیعهد محترم شاه ثالث که بنام(آدمخور مهتر) مشهورشد، برتخت شاهی نشست. علت شهرت اوبه لقب آدمخور این بودکه به جنگ و کشتن مردم راغب بود ویکى ازمخالفین سرسخت خود راکه درجنگ به قتل رساند خون او را از شمشیرخود چشید که ازجانب مردم به این لقب مشهورشد. محترم شاه کنور ثالث دارای جثهٔ بزرگ، کثرت زور و قوت، وفور تهور و جلادت و فرط جود وسخاوت بود. قوتش بحدی بودکه شمشیری راکه برای خودشاخته بود، دگر کسی یارای استعمال آنرانداشت! مردم ازدست جبر وظلم اوبه ستوه آمده به نزدبرادرخورد او شهزاده امان الملك که والی منطقهٔ دراسن بود، مراجعه نموده از اوخواستند که مهترچترال شده آنها را ازظلم واستبداد محترم شاه (آدمخور) نجات بدهند.

همانا شهزاده امان الملك بالشکربزرگ آمده تخت چترال راتصرف نمودو مهترآدمخور به افغانستان فرارنموده درآنجا ازجانب دشمنانش بقتل رسید. اعلیحضرت امان الملك۳۸ سال سلطنت چترال رابعهده داشت ودرسال ۱۸۹۲ وفات نمود.مهترامان الملك ازببست زن نکاحی وصیغه یی ۲۱ پسرداشت. در کلتورمردم چترال تنها پسرانی مستحق پادشاهی میشدندکه مادران شان از خانواده هوافامیل های نامدار خواین، نوابها یا ازقوم و فامیل نزدیک خاندان شاهی میبودند ومتباقی خانم ها که ازمردم عوام، ولو که نکاحی هم میبودند، اولادشان مستحق پادشاهی نبودند .

انتخاب ولیعهد بایداز مادر اعیانی واشرافی باشدکه درتمام ممالک اسلامی اروپایی آسیایی حتی افغانستان هم این قاعده معمول ومروج بود. چنانچه جناب مرحوم میرمحمدصدیق فرهنگ در کتاب(افغانستان درینج قرن اخیر) صفةٔ ۳۱۶ نوشته اندکه دوبرادرعینی محمدافضل خان(پدرامیرعبدالرحمن) و محمداعظم خان، از امیرشیرعلی خان بزرگتربودند اماچون مادر این دوبرادر از قبیلهٔ بنگش بود، از نگاه اعیانی دربار مستحق پادشاهی شمرده نمی شدند، بناأ امیردوست محمدخان، شیرعلی خان را که کهنتر اما مادرش سدوزایی او اولادهٔ حاجی رحمت الله خان اعیان خانواده بود منحیت ولیعهدانتخاب نمود.

ازهمین سبب بعدازفوت اعلیحضرت امان الملك درسال ۱۸۹۲ درین پسران مستحق پادشاهی اختلافات گسترده بوجودآمد وشهزاده افضل الملك که در ردیف دوم بود، در نبودن برادر بزرگترش شهزاده نظام الملك، جابرا نه برتخت چترال قبضه نمود وسه برادرناتنی خود(برادران پدر کلان من شهزاده عبدالرحمان)را دریک شب بقتل رسانید وپدر کلان من شهزاده عبدالرحمن خان به افغانستان پناهنده شده درنزد امیرحبیب الله خان وبعد پسرش اعلیحضرت امان الله خان، ازپدر کلانم بااعزاز واکرام پذیرایی نموده درقرصرشاهی شهرآرا مسکون کردو پدرومرحوم عبدالملك خان جلاله هم درآنجا تولدشُد.

موضوع دیگری نیز که به چترال تعلق می گیرد، ازدواج دختر قشنگ و زیبای چترالی به نام جهان آرا باشدهٔ بدخشان، باسردار محمد کبیر سراج، برادر اعلیحضرت امان الله خان بر می گردد.

سردارمحمد کبیرسراج ازآن دخترچترالی صاحب دوپسربه نامهای محمدنذیر کبیرسراج ومحمد بشیرسراج گردید. زمانیکه امان الله به تخت سلطنت نشست امرفرمود که هیچ مردی نمیتواندصاحب دوزن باشد، همانا سردار کبیرجان، جهان آرا راطلاق نمود.

ازسردارمحمدبشیرسراج یک پسربنام محمدقدیرسراج و دودختربه نامهای تمیله وجمیله متولد گردیدند، که تمیله خانم محمدقوی کوشان و جمیله خانم داکترصاحب سیدمخدوم رهین می باشند، یعنی مادر کلان شان چترالی بود.

سلطنت اعلیحضرت امان الملك مهتر چترال
اعلیحضرت امان الله خان درزمان جنگ استرداداستقلال افغانستان، شهزاده عبدالرحمن خان راتحت قیادت لوی خان میرزمان خان کنری، برای مقابله از یورش عساکر برتانوی، به بریکوت کنر فرستاد. چنانچه نویسندهٔ فاضل و دانشمند داکترعبدالرحمن زمانی درکتاب(جنگ استرداد استقلال افغانستان) صفحهٔ۵۵، به آن اشاره نموده :
درفرن شانزده، شاه رئیس یکی ازحکمرانان ابالتی بر چترال سلطنت داشت. شاه رئیس مشاوری داشت بنام سنگین علی

یغمای جندقی

تزویر مسلمانی !

بهار ار باده در ساغر نمی کردم چه می کردم؟
ز ساغر گر دماغی تر نمی کردم چه می کردم؟
هوا تر، می به ساغر، من ملول از فکر هشیاری
اگر اندیشه دیگر نمی کردم چه می کردم؟
عرض دیدم به جز می هرچه زان بوی نشاط آید
قناعت گر به این جوهر نمی کردم چه می کردم؟
چرا گویند در خم خرقه صوفی فرو کردی
به زهدآلوده بودم گر نمی کردم چه می کردم؟
ملامت می کُننَدَم کز چه برگشتی ز مژگانش؟
هزیمت گر ز یک لشکر نمی کردم چه می کردم؟
مرا چون خاتمِ سلطانی ملک جنون دادند
اگر ترک گُله افسر نمی کردم چه می کردم؟
به اشک ار کیفر گیتی نمی دادم چه می دادم؟
به آه ار چاره اختر نمی کردم چه می کردم؟
ز شیخ شهر جان بردم به تزویر مسلمانی
مدارا گر به این کافر نمی کردم چه می کردم؟
گشود آنچه از حرم بایست از دیر مغان یغما
رخ امید بر این در نمی کردم چه می کردم؟

(که داماد اوهم بود)درسال ۱۵۷۰ بعدازمرگ رئیس، پسران سنگین علی به حکمرانی خاندان رئیس خاتمه داد و سلسلهٔ حکمرانی خاندان کنور قوم آدمی زاد را اساس گذاشتند.

رایسن نویسندهٔ کتاب بحران درسرحد: جنگ سوم افغان و کمپاین در وزیر ستان مینویسد: چترال ازنظرمنطوقی وجغرافی بخشی ازافغانستان بود که بنابر دلایل نژادی وتاریخی از آن جدا شد. شهزاده های کنونی چترال یامهتران از بازماندگان پسران سنگین علی ولد محمدایوب ولد فریدون حسین ولد سلطان حسین بایقرا می باشند. بابا محمدایوب فرد درویش مشرب، متدین وخدا دوست بود. زمانیکه فامیل شاهی تیمورلنگ توسط محمدشیبانی سقوط کرد، آواره به چترال رسیدودرآنجا متوطن شد که اولادهٔ او ازمهتران چترال شدند و به نام آدمی زاد یادشدند. مهترجو : درزیان چترالی(جو)پسر را می گویند یعنی پسر مهتر. بعدها در زمان تسلط انگلیس بر چترال کلمهٔ مهترجو به شهزاده تبدیل شد.

درصفحهٔ۷۳ کتاب استرداد استقلال: مهتر امیرالملک هشتمین فرزندمهترامان الملك، مخالف سرسخت انگلیسها دراول جنوری ۱۸۹۵ مهتر چترال شدامااز طرف انگلیسها برسیت شناخته نشد. بعدازمداخلهٔ نظامی انگلیس، دستگیر و درمدراس هند درجزیرهٔ کالاپانی(آب سیاه) زندانی ودرسال ۱۹۲۴ وفات کرد.

پسر او شهزاده آب حیات خان به کابل آمد و در شیوکی کابل مسکن گزین شد. فرزندان او لیاقت حیات که شخص باکفایت ودرایت بود درزمان جمهوریت داودخان مدبرمعارف ننگرهار و ولسوال کوهدامن بود، وپسردوم سهراب حیات درچترال زندگی می کند. دخترش صفیه حیات که انسان تحصیل یافته وفعال جامعه است، مدیرهٔ لیسه عالی زرغونه و صفدرحیات که در کابل زندگی میکند وسکندر حیات که در چترال زندگی آبرومندانه را به سر می رساند می باشند.

درصفحهٔ۷۴ کتاب استرداداستقلال مذ کورشده:

مهترجو(شهزاده) عبدالرحمن خان پسرمهترکبیرامان الملك وبرادرمهتر دست نشاندهٔ انگلیس ها بود. شجاع الملك درابتدا صوبه دارعساکرهندی چترال دراردوی هندبرتانوی بود، درسال ۱۹۰۹ چترال راترک گفته بکابل آمد.

مهترجو عبدالرحمن خان درجنگ سوم افغان وانگلیس یکجا باغازی میرزمان خان کنری وجنرال عبدالوکیل خان نورستانی درجبههٔ چترال و کنرسهم فعال داشت که به پاداش خدماتش به رتبهٔ کرنیلی بحیت سرحدداربریکوت مقررشد.

مهترجو(شهزاده) عبدالرحمن خان پدرشخصیت اجتماعی شناخته شده و معروف خان جلاله عبدالملك خان جلاله بود، که پسران خان جلاله آقایان امان الملك(نویسندهٔ این سطور)، نجات الملك، شجاع الملك، نصیرالملک، مسیح الملك، حیات الملك، به استثنای سه پسران غلام رضا احمدرشید ومجاهدالاسلام اند، بعدها دردوران جهان علیه تجاوز ارتش سرخ روسیه در افغانستان نیز وطندوستی شانرا ثابت نموده اندودرمبارزات مسلحانهٔ آزادیبخش شرکت فعال داشتند./

محمد ناطقی

دلایل حقوقی وسیاسی درخواست حکم بازداشت رهبران طالبان

قطعا دادستان دادگاه بین المللی کیفری لاهه، دلایل حقوقی و سیاسی برای درخواست حکم بازداشت دارد. معتبرترین دادگاه درجهان همین دادگاه بین المللی لاهه است. همین دادگاه اخیرا در مورد تانیاهو نخست وزیر اسرائیل و گالات وزیر دفاع پیشین اسرائیل حکم باز داشت صادر کرد. بیش از ۱۲۰ کشور در جهان عضو این دادگاه هستند چون آن را تایید کرده و عضو جهانی دادگاه بین المللی لاهه شده اند. گرچه می دانیم دلایل سیاسی که چالش عمده در برابر دلایل حقوقی است، اگر مانع اقدام نشود کشورهای عضو می توانند، متهم و متهمان را در هرجا که ببینند، باز داشت نمایند. نکته بسیار مهم دیگر این است که متهمان تا زنده هستند، حکم در باره شان لازم الاجرا می باشد. مثلامریضی، بازنشستگی ازسمت و.. احکام را لغو نمیکنند.

درخواست حکم بازداشت درمورد شیخ هبت الله رهبرطالبها وشیخ عبدالحکیم حقانی قاضی القضات شان می تواند دلایل حقوقی زیر را داشته باشد. رهبران طالبان در طی سالها و به خصوص در طی سه سال چند ماه، متهم به جنایات جنگی، نقض سیستماتیک حقوق بشر و ارتکاب جنایات علیه بشریت و نسل کشی هستند. قتل های هدفمند، شکنجه، تجاوز به زنان در زندانها و تبعیض علیه اقلیتها و زنان شامل جنایات طالب ها می شوند. و در این ارتباط گزارش های گسترده از طرف سازمان ملل متحد و سازمانهای معتبر حقوق بشری، منتشر شده است.

نگاه به محتوای این گزارش ها نشانده پاکسازیهای قومی، کوچهای اجباری و کشتار غیر نظامیان توسط طالبها می باشند. از دلایل بسیار عمده و مهم دیگر که می تواند دلیل اقدام دادگاه بین المللی باشد ارتباط ارگانیک و پیچیده طالب ها با شبکه های تروریستی مانند القاعده، و بیش از ۲۰ شبکه تروریستی مستقر در افغانستان باشد. البته القاعده شاخص ترین است زیرا مسبب اصلی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا شناخته شده است اما گروه های زیادی از دیگر کشورها در افغانستان حضور دارند و این هم می تواند مستند در خواست حکم باز داشت باشد.

دلیل حقوقی دیگر می تواند نقض قوانین بین المللی و اصول دیپلماسی که سبب بی نظمی در افغانستان و بیرون از افغانستان شده است. میلیونها مهاجر، دلیل واضحی بر نقض قوانین بین المللی می باشد و طالب ها به وضوح عدم تعهد و پایبندی خود را برای تشکیل دولت جدید مبتنی بر موافقتنامه دوحه، نشان داد. من در گفتگوهایی دوحه حضور داشتم و می دیدیم که طالب ها از موافقتنامه فقط یک موردش را قبول کرد و آن خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان بود اما بقیه محتوای و مفاد سند را نقض کردند. البته گذشته از این دلایل که بار حقوقی دارد، دلایل دیگری هم در صدور حکم دادگاه بین المللی داریم. طالب ها تهدید برای منطقه و جهان شناخته شده است. دادگاه با درخواست صدور حکم می خواهد یک نوع باز دارندگی ایجاد نماید و مانع گسترش فعالیت های تهدید امنیتی در منطقه و جهان شود.

چنانچه عرض کردم در افغانستان ده ها گروه تروریستی برای بی ثباتی منطقه و جهان حضور دارند. تحریم ها علیه رهبران طالبان و حالا هم حکم باز داشت دلیل بر کنترل و منع گسترش نفوذ طالب ها در منطقه و جهان می تواند، باشد. یکی از دلایل عمده سیاسی دیگر می تواند این باشد که در خواست حکم باز داشت ابزار دیپلماتیک نیرومندی است جهت اعمال فشار بر طالب ها تا حقوق بشر را رعایت نمایند و صادقانه در گفتگوهای صلح افغانستان شرکت نمایند. در ماه های گذشته برخی از کشورها اقداماتی را روی دست گرفتند که بر طالب ها فشار وارد نمایند تا دست از اقدامات زن ستیزانه و اپارتاید بردارند و این کشورها طرح شکایت از طالب ها را در دادگاه لاهه مطرح کردند.

درخواست حکم بازداشت هبت الله وعبدالحکیم حقانی مرتبط بهمین اقدامات گفته شده رهبران عمده دیگر مثل ملا ندیم و ملا خالد حنفی در فهرست باز داشت های بعدی قرار دارند.

نتیجه اینکه در اقدام دادگاه بین المللی کیفری ما شاهد ترکیبی از دو نوع اقدام سیاسی و حقوقی می باشیم. اجرای عدالت و نفی تبعیض و اپارتاید یک امر حقوقی است و به موازات آن شاهد اقدامات سیاسی نظیر فشارهای دیپلماتیک از جانب کشورها هستیم. در حال حاضر دو نهاد جهانی یعنی سازمان ملل و نهاد دیوان کیفری بین المللی وارد اقدام شده اند و این در واقع همان فشارهای مضاعف هستند که بر طالب ها وارد می شود. فکر می کنم سال ۲۰۲۵ سال تغییر در افغانستان است و وضعیت فعلی دگرگون می شود نه اینکه طالب ها محو شود اما تغییر در ایجاد یک ساختار جدید مبتنی بر توافقات و عمدتاً موافقت نامه دوحه پیش خواهد آمد./

استادماشینی به رحمت حق شتافت

استاد عبدالرشید سروری، معروف به «استادماشینی لوگری»، یکی از بارزترین چهره‌های موسیقی افغانستان است که با نواختن ساز خود، تأثیر عمیقی بر دل‌ها گذاشته است. او پسر زنده‌یاد (الحاج در محمد) استاد ذری لوگری، از پایه‌گذاران موسیقی کشور، بود و با همکاری با محبوب‌ترین هنرمندان مانند زنده‌یاد احمد ظاهر، زنده‌یاد استاد بیلتون، زنده‌یاد استاد زلاند و... مشعل ترنم افغانستان آثار بی‌ظنیری را خلق کرد.



سرنده نواز شهپر کشور استاد لوگری

لقب «ماشینی» که محمداظهر شاه، شاه فقید کشور به او داده بود، به دلیل قدرت و تسلط شگرف او در نوازندگی و اجرای موسیقی است. خود استاد نیز با افتخار می‌گفت: «مه مثل ماشینی می‌نواختم.» این جمله گویای توانایی‌های او در موسیقی و اشتیاقش برای نواختن ساز بود. زندگی استاد ماشینی پر از چالش‌های تلخ بود و یگانه فرزندش را نیز از دست داده بود و این فاجعه، شکست و دل‌مردگی عمیقی را برایش به ارمغان آورد او از بام خانه‌اش پایین افتاد باعث شکستگی پایش شد و این آسیب تا پایان عمرش با او ماند.

استاد به طور ناچار از دنیای موسیقی خداحافظی کرد و تا مدت‌ها در مرکز شهر کابل به عنوان دستفروش فعالیت می‌نمود و با فروش کله و پاچه و قصابی تلاش می‌کرد تا زندگی خود را پیش ببرد. به گفته‌ی خودش، در آن روزگار سخت، خود را فراموش کرده بود که کی است و تنها به یادآوری گذشته و نواختن سازش فکر می‌کرد.

استاد عبدالرشید لوگری برادر کوچک شادروان استاد عبدالسلام لوگری بود. یاداستادماشینی همچنان درد دل‌های علاقمندان موسیقی زنده است. مرحومی حدود سه ماه پیش در ماه نومبر به دیار خموشان پیوست، اما آثارش همواره در خاطره‌ها خواهد ماند. روحش شاد و یادش همیشه جاویدان باد. (نقل از سایت دیدنی و پرمطلب (لوگر سرزمین دلیرمردان)

ترامپ با این هفت کشور چه خواهد کرد؟

تامل و درد سر ساز باشد، تضاد منافع امریکایی‌ها با دولت ترکیه و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه بر سر کردهای سوریه است.

اما به نظر نمی‌رسد که ترامپ در حمایت از کردها، راه تقابل با ترکیه را در سوریه برگزیند و مانع تحقق اهداف و خواسته‌های ترکیه در مورد کردهای سوریه شود. ممکن است ترامپ در صدد همکاری با اردوغان در سوریه شود که هم منافع ترکیه، هم منافع امریکا و هم منافع اسرائیل با این همکاری محقق شود.

۷- چین: ترامپ در واقع چین را رقیب اصلی امریکا در قدم اول از نظر اقتصادی و سپس نظامی تلقی می‌کند و با این تلقی، تمرکز او بیشتر روی مقابله با چین خواهد بود. اما این مقابله بیشتر اقتصادی است تا نظامی. ممکن است روزی امریکا و چین بر سر تایوان درگیر جنگ شوند، ولیکن احتمال بسیار اندک و ضعیفی وجود دارد که چین به این زودی کم از کم در چهار سال آینده حکومت ترامپ به تایوان یورش ببرد. چین از جنگ او کرین می‌آموزد و از نظر نظامی در حال توسعه و پیشرفت است تا ظرفیت تقابل نظامی خود را با امریکا بر سر تایوان بالا ببرد. جنگ ترامپ با چین در واقع جنگ تجاری خواهد بود و ترامپ ترجیح می‌دهد که این جنگ را به جای تقابل و خصومت با معامله بر سر منفعت دو جانبه مدیریت کند.



قهرمان بزرگ علی رضا آساهی مرحوم

آساهی تا هنگام درگذشتش همراه با همسر و دو پسر کوچکش، کیهان و آرمان در غرب کابل در یک خانه کرایه‌نشین زندگی میکرد. آساهی شاغل نبود. او همیشه در مصاحبه‌هایش از ناداری و فقر در زندگی خود صحبت می‌کرد. با بغض و اشک در یکی از مصاحبه‌هایش با رادیو آزادی گفت: «من سینه‌مرغ می‌خورم و بچه‌هایم غذای ساده، این برایم خیلی سخت است.»

او در ادامه مصاحبه‌اش یاد کرد: «یک روز تمرین رفتیم، همسر گفت دیگر سینه‌مرغ نداری، گفتم خدا کریم است. وقتی برگشتم دیدم سهمیه رژیم‌ام را (سینه‌مرغ) را آورد. گفتم چرا شوخی می‌کنی، همسر بچه‌هایم را صدا کرد، آنها گفتند: پدر، ما قلمک / دخلک‌های خود را شکستاندیم و برای تو سینه مرغ خریدیم.» «خانواده پرورش اندام در سوگ قهرمان جهان علی‌رضا آساهی داغدار شد»

دیروز فدراسیون پرورش اندام و فیتنس افغانستان درگذشت علی‌رضا آساهی، قهرمان پیشکسوتان پرورش اندام جهان را تأیید کرد. علت مرگ او را «سکته قلبی» اعلام کردند. آساهی دیروز با حضور انبوهی از دوست‌داران و خانواده‌اش در منطقه کارته سخی کابل به خاک سپرده شد.

راشد خان آرمان، ستاره کریکت افغانستان در صفحه فیسبوکش ابراز تأسف کرده و گفت: «خود را در این غم با خانواده‌اش شریک می‌دانم.» راشد خان، برخی مسئولان فدراسیون فوتبال افغانستان و ریاست تربیت بدنی افغانستان در کنترل حکومت طالبان خواهان کمک به خانواده آساهی شدند.

اداره امید: وفات قهرمان ارجمند مین، جناب شادروان علی رضا آساهی را ضایعه بزرگ فرهنگی و ورزشی شمرده، بدین مناسبت صمیمانه ترین تسلیت همه همکاران امید رابه خانواده عزیز آساهی و جامعه فرهنگی و ورزشی کشور ابراز می‌داریم. فردوس برین جایگاه ابدی آن قهرمان باد!

غزلی زیبا از حضرت حافظ رح

من ترک عشق شاهد و ساغر نمی‌کنم
صد بار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم
باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور
با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم
تلقین و درس اهل نظر یک اشارت است
گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم

هرگز نمی‌شود ز سر خود خبر مرا
تا در میان می‌کده سر بر نمی‌کنم
ناصح به طعن گفت که رو ترک عشق کن
محتاج جنگ نیست برادر، نمی‌کنم
این تقوی‌ام تمام، که با شاهدان شهر
ناز و کرشمه بر سر منبر نمی‌کنم

حافظ جناب پیر مغان جای دولت است
من ترک خاک بوسی این در نمی‌کنم
امنیتی سازی...

اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ژئوپولیتیکی خود، فراهم آورده اند. هدف دیگر نگاه امنیتی سازی کشور های پیرامونی به قضیه افغانستان، انحراف افکار عامه خودشان، برای تداوم و استمرار حیات نظام سیاسی غیر مردمی در این کشور ها بوده است تا در بستر لاپوشانی و پردازش سیمای کاذبی از واقعیت ها، حقایق را پنهان کنند و توجیهی برای عملکرد های امنیتی شان، داشته باشند. سیاست امنیتی ساز، یعنی نگاه زیر کانه کشورهای پیرامونی در خصوص بحران امنیتی افغانستان است که بواسطه آن، تلاش شده و میشود تا این بحران سیاسی، امنیتی و اقتصادی در داخل افغانستان حفظ گردد، تادریستر آن، بتوان به اهداف راهبردی، دست یافت. در اخیر گفته میتوانیم امنیتی سازی افغانستان یک پدیده پیچیده است که هم در سطح داخلی و هم بین المللی تأثیرات زیادی دارد. در حالی که برخی تهدیدات واقعی هستند، استفاده ابزاری از امنیتی سازی در افغانستان، توانسته به افزایش بی ثباتی و مشکلات اجتماعی در این کشور منجر شود و این کشور را به چالسه امنیتی برای منطقه مبدل ساخته است. /

قهرمان پرورش اندام جهان وفات کرد

۲۵ جنوری ۲۰۲۵ء دلو - بهمن ۱۴۰۳: علی‌رضا آساهی، قهرمان پرورش اندام پیشکسوتان جهان، زمانی در مصاحبه‌ای گفت فرزندانش قلمک پول خود را شکستند تا سهمیه رژیم غذایی او (سینه مرغ) بخرند، آن وقت بود که بسیاری از افغان‌ها متوجه فقر و مشکلات اقتصادی شدید در زندگی این قهرمان شدند. او سه روز پیش در سن ۵۱ سالگی درگذشت. علت مرگش سکته قلبی گفته شده است.

علی‌رضا آساهی، در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در مسابقات جهانی پرورش اندام پیشکسوتان، قهرمان جهان شد. او با پرچم سه رنگ نظام قبلی افغانستان بر سکوی قهرمانی ایستاد و قلب میلیون‌ها افغان را شاد کرد.

مرگ یکی از برجسته‌ترین ورزشکاران افغانستان، بسیاری را متأثر ساخت. این موضوع را به خوبی در ابراز تسلیت افغان‌ها و چهره‌های شناخته‌شده افغانستان می‌توان دید.

از کاراته به سمت پرورش اندام: علی‌رضا آساهی در ایران متولد شد، اما اصالتاً از منطقه کلوه پشته شهر کابل بود. او آموزش‌های ابتدایی را در ایران فرا گرفت. در زمان دانشگاه با ضمانت چهار تن از استادانش با شماری از هم‌صنفی‌هایش بر سر کلاس‌های درس حاضر می‌شدند؛ اما هنگام ورود بازرسان دولت، کلاس درس را ترک می‌کردند. چون به صورت رسمی ثبت‌نام نشده بودند. با وجود این وضعیت، آقای آساهی در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع لیسانس تحصیل کرد. او شاعر هم بود.

در ابتدا آساهی به صورت منظم زیر نظر یک مربی افغان به تمرینات ورزش رزمی کاراته رو آورد. او که استعدادش در این رشته را بالا می‌دید، پس از سپری کردن امتحان کمر بند دان ۱ و دان ۲، برخلاف انتظار استادش، امتحان کمر بند دان ۳ را سپری کرد و موفق به دریافت اعتبار دان ۳ در کاراته شد؛ اما بعد به پرورش اندام رو آورد.

آساهی زمانی که به افغانستان برگشت، به صورت منظم به تمرینات پرورش اندام پرداخت و از آنجا راهش به مسابقات آقای عضلات در سطح ملی باز شد. آساهی در این مورد گفت: «می‌خواستند در یک تصادف ساختگی جانم را بگیرند، اما زنده ماندم، ولی پایم از ناحیه زانو شکست و مدتی از تمرینات دور ماندم.»

برسکوی پیشکسوتان قهرمانی جهان: آقای آساهی دو سال متوالی ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ مدال طلای پیشکسوتان در چهاردهمین و پانزدهمین دور مسابقات جهانی پرورش اندام را برای افغانستان به ارمغان آورد. در نوامبر سال ۱۴۰۲ برای اولین بار مدال طلای جهان را در دسته وزن مثبت هشتاد کیلو در کره جنوبی بدست آورد. سپس در همان رویداد در بخش جوانان هم مسابقه داد و در وزن منفی ۹۰ کیلوگرم مقام چهارم را از آن خود ساخت. در سال ۱۴۰۳ در مسابقات جهانی پرورش اندام که به میزبانی مالدیو برگزار شد، آساهی در وزن مثبت ۸۰ کیلوگرم در رشته پرورش اندام پیشکسوتان بار دیگر قهرمان شد. آقای آساهی که ۵۱ سال داشت در دسته ۸۵ کیلوگرم به بالا و در بخش پیشکسوتان قهرمان جهان شده بود. او نخستین مدال طلای افغانستان در مسابقات جهانی پرورش اندام را به دست آورده بود.

«اگر پول‌دار باشم، محبوب مردم نمی‌شوم»: «او نخستین ورزشکار افغانستان است که سند معتبر مربیگری حرفه‌ای پرورش اندام را از فدراسیون جهانی این رشته دریافت کرد و این سبب شد که به عنوان مربی هم فعالیت خود را آغاز کند.

منصور یکی از کسانی که تحت نظارت آقای آساهی تمرین می‌کرد، به بی‌بی‌سی گفت که او مثل یک دوست و مربی بسیار خوب بود: «معمولاً وقتی نیاز به مکمل/پروتئین یا چیزی می‌داشتم، همیشه آساهی صاحب رازنگ می‌زدم که همراه باشند تا برایم چیزی که مناسب باشد را بگیریم.»

منصور می‌گوید: «استاد وقتی نزدیک مسابقات در رژیم (غذایی) بودند با فشار اقتصادی خیلی زیادی رویه‌رو بودند. وضعیت به قدری خراب بود که حتی پول وعده غذایی بعد تمرین را نداشتند، وقتی دیدم شان خیلی جگرخون نشسته‌اند، رفتیم پیش‌شان پرسیدم چه شده؟ استاد گفتند فکر کنم راه اشتباه را گرفته‌ام. واقعا حرفشان دلم را شکست.»

محمد نایب مبارز، ورزشکار پرورش اندام افغانستان و قهرمان آسیا از درگذشت دوستش، آساهی ابراز تأسف کرد و گفت که اولین بار حدود هشت سال پیش آشنا شدند، و در چندین مسابقات خارجی و داخلی باهم شرکت کردند. مبارز می‌گوید که آساهی همیشه از دست روزگار شکایت داشت، اما ناامید نبود و پشتکار داشت: «در آخرین سفر در مسابقات جهانی مالدیو باهم بودیم، که او توانست به مدال طلا دست یابد.» به گفته آقای مبارز کمک‌هایی که آساهی دریافت می‌کرد همیشه مصرف تمرینات و مسابقاتش می‌شد، همیشه دوستانش می‌پرسیدند: «چرا از این پول برای بهتر شدن زندگی‌ات استفاده نمی‌کنی؟ موتر یا خانه بخر.» جواب علی‌رضا همیشه این بود: «اگر پول‌دار باشم، محبوب مردم نمی‌شوم.»

«بچه‌هایم قلمک / دخلک‌های‌شان را شکستند تا برایم سینه‌مرغ بخرند»

خواجه محمد نعیّم صدیق وودبریج، ورجینیا

مشایخ لوگر چرخ یا سرزمین اولیاء رحمه الله علیهم اجمعین خاک یوسف خیز دارد همچو کنعان لوگر است

ای عزیزان رشک هندوچین وایران لوگراست

مرحوم حیدری وجودی

سرزمین اراضی چرخ را که از نگاه ساختمان ظاهری هم بادبگر مناطق لوگر فرق فاحشی دارد، زادگاه وپرورشگاه اولیاً کرام دانسته اند. ازهرطرف در حدوداین ولسوالی داخل شویم، درخود واحوال خود تغییرات زیادی مینگریم: خود راحلیم، خلیق، برده بار، شیفتهٔ معارف اسلامی وجان فدای ناموس اکبر (دین و وطن) احساس مینماییم. اهالی آن مرز وبوم خاموش بودن رادرمقابل دشمنان دین ووطن به هرنام، قماش و کسوتی که باشند گناه عظیم میدانند.

حضرت مولینا یعقوب چرخ‌ی که ازعلماء جید زمان واز مآذونان و خلفای حضرت شاه نقشبند قدس سره العزیز بودند وازبزم حضرت علاءالدین عطار هم چاشینی به او رسیده وهمچو خواجه عبیدالله احرار قدس سره را که یکی از اراکین چهارگانهٔ طریقهٔ عالیه نقشبندیه میباشد درآغوش میمون اثرخود پرورده تاهمچو خودشان روشگر انام گردند .

زیارت مزارپدر بزرگوارشان که همچو در نایاب رابه مهر پرورانیده وبه جامعهٔ اسلامی افغانستان تقدیم نموده، سبب فیض رسی زایران میگردد. نظرگاه حضرت مولینا از دوجلب توجه نموده احساس زودرسیدن رابه آنجا درانسان زنده میسازد، شرشر دریای چرخ در کنارآن منظره وآهنگ جانبخش دیگری دارد. دربالای نظرگاه حضرت مولیناصاحب درقلهٔ کوهی ذخیره بزرگ آب ازسالیان متمادی وجود دارد که دراین اواخر ذریعهٔ تل هابه کوچه وبازار چرخ توزیع شده که بدنبوسیله نیازمردم محل تاحدی رفع شده است.

مزارمبارک خواجه محی الدین مشهوربه شاه صاحب ومزارمبارک شاه خلوت صاحب در دل چرخ بستر زده است. جد بزرگوار حضرت مولیناصاحب شیخ محمد سرزی که درغزنین اقامت داشت ودرهمانجا دفن است، بخاطرچله کشیدن به سرزمین زیبای چرخ می آمدودرمنطقهٔ (پنگرام) دردامنهٔ کوهی چله می کشید ونوده های تاک را تناول میکرد، بهمین دلیل به سررزی مشهور گردید.

محمدعثمان پدرمولینا صاحب هم سرزمین چرخ راپسندید چون درآنزمان چرخ ازتوابع غزنی بود. پدرمولیناصاحب درمنطقهٔ تختک پنگرام راپسندید در همانجا اقامت گزید وبالاخره چنین درنایاب رابه جهان عرفان اسلامی تقدیم نمود.

درگرد مزارات سراغیست بفهمید

پی گمشدهٔ قافله بی بی جرسی چند (بیدل رح)

درپایان فرمایشات خواجهٔ بزرگوارجناب صدیق، این حکایت حضرت مولینای بلخ را ازدفترپنجم مثنوی معنوی، خیلی مناسب یافتم تادر شناخت بیشتر وبهتر«زاهدغزنی»خوانندگان را یاری برساند :

بخش ۱۱۳ - حکایت شیخ محمد سررزی غزنوی قدس الله سره

زاهدی در غزنی از دانش مزی

بد محمد نام و کنیت سررزی

بود افطارش سر رز هر شبی

هفت سال او دایم اندر مطلبی

بس عجایب دید از شاه وجود

لیک مقصودش جمال شاه بود

برسرگه رفت آن ازخویش سیر

گفت بنما یا فتادم من به زیر

گفت نامد مهلت آن مکرمت

ور فرو افتی نمیری نکشمت

او فرو افکند خود را از وداد

در میان عمق آبی اوفتاد

چون نمرداز نکس آن جانسیرمرد

از فراق مرگ بر خود نوحه کرد

کین حیات او را چومرگی می نمود

کار پیشش بازگونه گشته بود

موت را ازغیب می کرداو کدی

ان فی موتی حیاتی می‌زدی

موت را چون زندگی قابل شده

باهلاک جان خود یک دل شده

سیف وخنجرچون علی ریحان او

نرگس و نسربن عدوی جان او

بانگ آمد رو زصحراسوی شهر

بانگ طرفه از ورای سر و جهر

گفت ای دانای رازم مو به مو

چه کنم درشهر از خدمت بگو

محمداکرام اندیشمند

ترامپ با این هفت کشور چه خواهد کرد؟

۱- افغانستان : گروه های مختلف سیاسی و تنظیمی و

قومی افغانستان از حاکم تا محکوم و آواره، بسوی ترامپ با امید و نگرانی نگاه می کنند. آنچه که ترامپ در دوران تبلیغات انتخاباتی اش در مورد افغانستان گفت و بازگشت به بگرام و جمع آوری تسلیحات امریکایی را مطرح کرد، در همان دوران و در همان فضا باقی می ماند. ترامپ به جنگ افغانستان بازنمیگردد و از این رو برای حمله و اشغال بگرام اقدام نخواهد کرد، چونکه اولویت های او فراتر از افغانستان و مسایل دیگر است؛ مگر آنکه حادثهٔ شبیه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ واقع شود.

اگر نگاه ترامپ به افغانستان تحت حاکمیت طالبان، نگاه بسیار بدبینانه و انتقام جویانه باشد، ممکن است ترامپ به ارسال بسته های چهل تا هشتاد ملیون دالری امریکا که تحت هر نام و عنوانی صورت می گیرد، نقطهٔ پایان بگذارد. این به معنی ایجاد تغییر در نظام سیاسی حاکم بر افغانستان نیست و طالبان را به این تغییر نمی کشاند. فقط زیان و ضرر آنرا قبل از همه مردم بیچاره و بیکار و درماندهٔ افغانستان متحمل می شوند، چونکه ارزش پول افغانی سقوط خواهد کرد و نرخ بیکاری و تورم بسیار بالا خواهد رفت و در پی آن، فقر و گرسنگی، عمیقتر و گسترده تر خواهد شد.

احتمال دیگر، می تواند نگاه سودجویانهٔ ترامپ به افغانستان باشد و ترامپ با طالبان رابطهٔ نزدیکتر و تعامل بیشتر ایجاد کند. این احتمال نیز عملی و واقعی به نظر میرسد، چونکه ترامپ و حکومتش امضا کنندهٔ موافقت نامهٔ دوحه با طالبان است و باری هم می خواست میزبان رهبران طالبان در کمپ دیوید باشد. ترامپ برای ایجاد نزدیکی و تعامل بیشتر دلایل زیاد خواهد داشت: از وجود موافقت نامهٔ دوحه تا مقابله با رقیبان و بازیگرانی مانند: روسیه، چین و ایران که در منطقه هوای رقابت و بازی و حتی مخاصمت با امریکا را در سر داشته باشند.

۲- ایران : اگر نتایج‌و و اسرائیل ترامپ را در مورد جمهوری اسلامی ایران بدنیال سیاست ها و خواست های خود نکشاند، ممکن است ترامپ با ایران راه مذاکره و توافق بر سر برجام و مسایل منطقه ای دیگر در پیش گیرد. هر چند ترامپ در این دور ریاست جمهوری که تا ۱۲ روز دیگر آغاز می شود با ترامپ چهار سال قبل تفاوت دارد. ترامپ در آستانهٔ این دور از ادغام کانادا و گرینلند به ایالات متحدهٔ امریکا سخن می گوید که نشان از توسعه طلبی و تجاوز گری او در کرسی قدرت دارد.

اگر جمهوری اسلامی ایران در موقعیتی قبل از وضعیت فعلی که حزب الله لبنان تضعیف شد و حکومت بشار اسد در سوریه سقوط کرد، قرار می داشت، تمایل ترامپ به مذاکره و توافق با تهران بیشتر می بود و احتمال حملهٔ اسرائیل به مراکز اتمی ایران با چراغ سبز و حمایت احتمالی امریکا بسیار اندک. با وجود این، هنوز قطعی به نظر نمی رسد که ترامپ به جای مذاکره و توافق با ایران، بسوی تقابل برود و این تقابل را با خواست نتایج‌و و اسرائیل انجام دهد. مسلم است که تهران هیچ تمایلی به این تقابل ندارد و به شدت تلاش می کند تا با ترامپ بسوی مذاکره و تعامل برود. علی رغم آن، ناظران و آگاهان احتمال تقابل و تعامل ترامپ با تهران را پنجاه در صد پنجاه درصد میدانند و باید منتظر زمان بود تا چه واقع می شود؟

۳- روسیه و اوکراین : جنگ اوکراین برای ترامپ یک مشکل بسیار بزرگ و جدی است. هر چند ترامپ در شعارها و تبلیغات انتخاباتی اش وعده داد که من به این جنگ نقطهٔ پایان می گذارم، اما عملی کردن آن شعارهای انتخاباتی بر سر جنگ اوکراین حالا برای ترامپ در قصر سفید بسیار آسان نخواهد بود. چونکه امریکایی ها در این جنگ ده ها ملیارد دالر هزینه کرده اند و این جنگ را برای خود و اروپایی ها، جنگ حیثیتی ساخته اند. زخمی را که این جنگ به روس ها و اوکراینی ها زده است، بسیار بزرگتر و عمیقتر از آن است که ترامپ آنرا به این راحتی مرهم گذاری کند و التیام بخشد.

جنگ اوکراین تا حالا یک ملیون نیروی طرفین را کشته و یا زخمی کرده است. هر وجبی را که دو طرف در این جنگ از همدیگر می گیرند، به قیمت جان ده ها و صدها نیروهای روسی و اوکراینی است. روسیه بیش از پانزده درصد خاک اوکراین را تصرف کرده و شبه جزیره کریمه و چهار ولایت شرقی لوهانسک دونتسک، خرسون و زاپوریژیا را به خاک خود مدغم ساخته است، هر چند که هنوز موفق به تصرف بخش هایی از سه ولایت اخیرالذکر نشده و جنگ خونینی بر سر اراضی باقی ماندهٔ این سه

ولایت ادامه دارد. اوکراینی ها خواهان بازگشت به مرزهای ۱۹۹۱ و خواستار ترک روسیه از مناطق اشغالی و پیوستن به ناتو اند که این نشان میدهد توافق و مصالحه میان دو طرف بسیار غیرعملی و دست نیافتنی است.

آنچه که از طرح ترامپ برای پایان دادن جنگ اوکراین به رسانه ها درز کرده است، مصالحه در برابر زمین است. ترامپ میخواهد اوکراین بگذارد که کریمه و ولایات شرقی در تصرف روس ها باقی بماند و عضویت اوکراین به ناتو تا ده و یا بیست سال دیگر به تعویق بیفتد. حتی اگر اوکراینی ها این طرح را بپذیرند، روس ها آنرا نمی پذیرند. عضویت اوکراین در بیست سال آینده به ناتو به معنی شکست پوتین و روسیه در جنگ است.

ترامپ می تواند طرح صلح خود را برزنسکی و اوکراینی ها بقبولاند، چونکه بخش عظیم هزینهٔ جنگ آنها را امریکا پرداخته است و باید بپردازد، اما برای تحمیل دیدگاه خود به پوتین و روس ها زمینه و امکانات زیادی ندارد.اگر ترامپ نتواند جنگ اوکراین را متوقف کند، آیا کمک به اوکراین را متوقف خواهد کرد؟ این نیز برای ترامپ آسان نیست. توقف کمک به اوکراین به پیروزی قاطع و سریع روسیه خواهد انجامید که هم برای امریکایی ها و هم برای اروپایی ناخوش آیند و تحمل ناپذیر است.

۴- غزه و فلسطینی ها : به نظر میرسد که ترامپ بسیار متمایل است تا قبل از ورودش به کاخ سفید، آتش بس در غزه برقرار شود و گروگان های اسرائیلی آزاد شوند. حتی اگر چنین شود، ترامپ برای حل بحران فلسطین و تشکیل دولت و کشور فلسطین هیچ طرح و علاقمندی ندارد. ترامپ طرفدار تشکیل دولت و کشور مستقل فلسطینی نیست. ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خویش بروی آرزوی فلسطینی ها در داشتن کشور مستقل فلسطین به پایتختی بیت المقدس پا گذاشت. او بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و سفارت امریکا را از تل اییب به آنجا انتقال داد. نتایج‌و صدراعظم اسرائیل پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا گفت که اسرائیل تا کنون در قصر سفید بهترین دوست این کشور بوده است. البته پس از حملهٔ حماس در هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ علیه اسرائیل و جنگی را که اسرائیل پس از آن در نوار غزه برراه انداخت، احتمال تشکیل کشور و دولت مستقل فلسطینی بیشتر از هر زمان دیگر تضعیف و مخدوش شد.

به نظر نمیرسد که ترامپ حتی طرفدار خروج اسرائیل از نوار غزه باشد و بر خلاف از تداوم اشغال نوار غزه توسط اسرائیل حمایت خواهد کرد. علی رغم آنکه حماس در غزه تضعیف شد و بسیاری از رهبران و نیروهای خود را از دست داد، اما برخورد و خصومت حماس تضعیف شده و فلسطینی ها در غزه با اسرائیل ادامه خواهد یافت و این خصومت همچون گذشته از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.

۵- حزب الله و لبنان : ترامپ از برنامه های نتایج‌و و اسرائیل در تضعیف کامل حزب الله حمایت می کند. جنگ مجدد اسرائیل با حزب الله پس از آتش بس دو ماهه اگر واقع شود، هر گز به مخالفت ترامپ مواجه نخواهد شد؛ هر چند اسرائیل تا حالا هزار بار آتش بس با حزب الله را نقض کرده است و هر زمانی که بخواهد دست به حملهٔ مجدد علیه حزب الله و مناطق مورد نفوذ و حضور آن در جنوب لبنان و جنوب بیروت می زند.

به نظر میرسد که هم اسرائیل و هم ترامپ در صدد تبدیل کردن حزب الله از یک حزب دارای نیروی نظامی به یک حزب فاقد نیروی نظامی در لبنان هستند. اسرائیل تا حد زیادی مقدمات این کار را با ضرباتی که بر حزب الله وارد کرد، فراهم ساخته است. با سقوط حکومت بشار اسد و حاکمیت مخالفان آن به رهبری هیت تحریر الشام و رهبر آن احمد الشرع یا ابومحمد جولانی در سوریه، حزب الله عقبهٔ اکمالاتی خود را از سوی جمهوری اسلامی ایران از دست داد. حزب الله اکنون حضور و نفوذ نظامی خود در فرودگاه بیروت که بدون هیچ مزاحمتی میزبانی و امنیت هواپیماهای ایران را بدوش داشت، نیز از دست داده است. طرح تضعیف کامل حزب الله از نظر نظامی در لبنان مورد حمایت و استقبال تمام کشورهای عربی قرار دارد.

۶- سوریه : ترامپ از سوریهٔ بدون بشار اسد و بدون جمهوری اسلامی ایران که در واقع با ضربات اسرائیل و نقشهٔ حکومت اردوغان و ترکیه و با چراغ سبز روسیه علی رغم حضور نظامی اش در حمایت از حکومت اسد شکل گرفت، استقبال و حمایت می کند.

جمهوری اسلامی ایران که شعار و سیاست محو اسرائیل یا نابودی رژیم صهیونیستی را در طول ۴۵ سال عمر خود سر داد و با تسلیح و تجهیز حزب الله لبنان از طریق عراق و سوریه، خود را در واقع در مرزهای شمالی اسرائیل رساند، با سقوط حکومت بشار اسد این موقعیت و این فرصت را از دست داد.

آنچه که در سوریه ممکن است برای ترامپ قابل (ص ۵)

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

صائب تبریزی

جایگاه بهشت

این چه حرف است که در عالم بالاست بهشت؟

هر کجا وقت خوشی رو دهد آنجاست بهشت

باده هر جا که بود چشمه کوثر نقدست

هر کجا سرو قدی هست دو بالاست بهشت

دل رم کرده ندارد گله از تنهایی

که به وحشت زدگان دامن صحراست بهشت

از درون سیه توست جهان چون دوزخ

دل اگر تیره نباشد همه دنیاست بهشت

دارد از خلد ترا بی بصری ها محبوب

ورنه در چشم و دل پاک مهباست بهشت

هست در پرده آتش رخ گلزار خلیل

در دل سوختگان انجمن آراست بهشت

عمر زاهد به سر آمد به تمنای بهشت

نشد آگاه که در ترک تمناست بهشت

صائب از روی بهشتی صفتان چشم میوش

که درین آینه بی پرده هویداست بهشت

وجیزه های ماندگار

شادی قابل تعریف نیست ، بلکه قابلیت است که در وجود هر

انسان نهفته پس شاد باش! لیخند رو از عمق وجود براتون

آرزو میکنم

عشق ورزیدن به هر چیز ، درک این جمله است : شاید از دست

برود...

چه حقیرند مردمی که نه جرأت دوست داشتن دارند و نه اراده‌ی

دوست نداشتن و نه لیاقت دوست داشته شدن و نه منانت دوست

داشته نشدن

و مدام شعر عاشقانه می‌خوانند و ترازدی غم‌انگیز انسان این است

که آنچه هست، نباید باشدو آنچه باید باشد، نیست و همه حرف‌ها

همین است وهمه‌ی دردها همین جا است. درد روح اینست که: «

انسان شقایقی است که با داغ زاده است.»

در اوج تجربه‌ها و آموزه‌های نوین و عالی اند اما در افغانستان.

به حیث یک چالش همگانی و مشکل سر تا سری مبدل گردیده

است. در حالیکه این یک روز بزرگ جهانی و یکی از تبجیل‌ها و

تجلیل‌های اساسی در نظام بین‌الملل و نظم نوین جهانی پنداشته

می‌شود و ترکیز می‌دارند که آموزش هدفمند و با حضور ذهن.

در توسعه صلح و ثبات و هم‌پذیری و دوری از جنگ و کدورت

و نفرت و روی‌آوری به منطق تفاهم و گفتگو و با دوری نمودن

از منطق کلاشنکوف که در سطوح محلی و ملی و بین‌المللی و

تاکید و تأیید از فراگیری سواد و علم و دانش که حق مشروع و

انسانی و یکی از مسولیت‌های همگانی و عمومی محسوب می‌

گردد.

بدون آموزش فراگیر و پیگر نمی‌شود به عدالت اجتماعی نایل

گردید و به پیشرفت‌ها رسید ، برابری جنسیتی و زودودن فقر و

شگوفای سازی نظام آموزش درسی و نوعیت و کیفیت والا و بالا

کریکولم درسی و فضا سازی. آرام و منزه و مطمئن و هکذا، بستر

مناسب برای ارتقا. سویه و سواد. از شاخصه‌ها و مولفه‌های

اصولی و اساسی و واقعی برای کسب. دانش و آموزش. پنداشته

می‌شود .

بیاموز و بشنوز هر دانشی

و آرامشی روز جهانی آموزش برای اهل علم و دانش مبارکباد!

و افراد غیر کارداران همین است ، که لنگر را به سر آلت تناسلی و شکم خود. بیندازد. و فقط در تناول و تعدد مال و منال و عیال باشد. و در پی ترویج. حقه بازی اعمال فشار و تشدید ظلم و ستم، در حالیکه تصور و برداشت‌ها همیشه این بوده که اعمال نیک و مثبت انسان‌ها بهترین مفسر افکار و اقدامات خیر اندیشانه‌شان خواهد بود بلی روز جهانی آموزش از طرف سازمان ملل متحد نظر به مبرمیت‌های نیاز و زمان بنا شد. اشتغال افراد و اطفال بیکار خیابانی و متکفل‌آعاشه و اباته خانواده‌ها رو به فزونی است سیل مهاجرت‌ها و تشدید جنگ‌ها و اشتغال‌زدایی و ایجاد رابطه‌های سالیاری و سرکوب و منکوب شایسته سالیاری و فشار حد اکثری بر درس و تحصیل زنان و رسیدن و توجه به کسب دانش به حد اقلی و تمرکز بعضی‌ها به برنامه‌های مبتذل تیک تاکی و گردن کلفتی یوتیوبران برهنه‌گویی و عریان‌نماوبرآمده از چوکات تعیین شده ادب و تمکین. همه از دغدغه‌های این نشست جهانی روز آموزش بود که گفته میشد برای فراگیری آموزش با کیفیت به پرورش با کیفیت، غذای با کیفیت و فراهم سازی محیط با کیفیت نیازاست.

همین هفته در آستانه روز جهانی آموزش اخبار گردید که سونامی خاموش دیگر. ، با گوشه‌های پنهان و اندوه ناک در افغانستان. در. جریان است در بسا نقاط کشور ، زنان مظلوم و درد کشیده. وطن عزیز ما حتی بدون قابل به زایمان خودی می‌پردازند. ، و این در حالی است. که موسسه غذا مربوط سازمان ملل متحد. از پانزده میلیون نفوس افغانستان. که در فقر مزمن بسر می‌برند ، سخن می‌زند. بالا رفتن نرخ دالر و پاهین آمدن پول افغانی و بلند رفتن. قیمت‌های اقلام ، و بند شدن کمک‌های ایالات متحده امریکا. برای همه کشور ، ها. به شمول افغانستان عزیز. اقلا برای سه ماه بعدی ، و تغییرات سیاست‌های. اقتصادی و مهاجرتی و سیاسی و فرمان‌های را که هر روز دونالد ترامپ دارد امضا نموده روان است ، و تازه هم آقای مارکو رویو وزیر خارجه جدید امریکا گفته که که دولت امریکا یک موسسه خیریه نیست . این در حالی است. که هر روز به شکل تحلیوی دونالد ترامپ به اعضای (بریکس) و بسا ائتلاف‌ها. تاکید و هشدار. می‌دارد که. کوچکترین کار شما علیه دالر. ما. شما را با انزوا و با. ازدیاد تعرفه‌ها. گمرکی مواجه خواهد نمود ، گذشته از آنکه. اکنون دونالد ترامپ. واضح گفته که کانادا و مکسیکو ایالت‌های بعدی امریکا است و یا خواهد شد. و تبدیل کردن نام خلیج مکسیکو به خلیج امریکا. ، و خواهان شدن کرنلیند برای مدغم شدن به قلمرو ایالات متحده ، همه موضوعات را وارد یک فاز دیگر جهانی نموده است ، گردهمایی مردم دنمارک برای خرید کالیفورنیا در واکنش. به خرید گرینلیند ، و هکذا موقف گیری کشور های خلیج مبنی بر چریندیات. ناتایاهو که گویا زمینی را عربستان به مردم غزه بدهد تا کشور بسازند و یا گویا دونالد. می خواهد که غزه را بخرد جهان را به پرتگاه تهدید و سقوط. و خط نهایت قرمز رسانیده است. . و همین طور بسا. بسا از. موضوعات نو که در اتاق‌های فکری و منطقی و جهانی در حال شکل گیری است . این در حالی است که. در بسا موضوعات و مکان‌ها به جای انسان‌ها از (ربات‌ها) کار می‌گیرند. و کنفرانس هوش مصنوعی در فرانسه. شاهد گواه و مدعاست و هکذا کشیده‌گی. مالکین شبکه‌های مجازی جهانی برای خرید شبکه‌های همدیگر شان. نیز. از درد سرهای دیگری است. که. جان‌ها و جهان. را. تهدید می‌کند . سازمان ملل متحد. در روز جهانی آموزش همه ساله از. بدو هسته‌گذاری چنین روزی. به مسایل و موضوعات مرتبط به دانش و علم و ارتقا سویه و سواد اجندات کاری اش. را. تخصیص داده است. اما تاروز نثرامید ۱۲۸۰ روز می‌شود. که وضع درس و تعلیم به نقطه و سویه‌ای رسیده که میسر نصف نفوس یک کشور مثل افغانستان در لاک و سوگ بی‌درسی فرو رفته. دختران خورد سال صنوف ابتدائیه را. دو باره و چند باره می‌خوانند که تا به صنف ششم ارتقا نکنند اکنون کلاس و یا صنف شش و شاید هم عدد شش برای این نو نهالان و نوباوگان به عدد شوم تبدیل شده باشد مثل که قبلا عدد (۳۹) دار رانمبر پلیت موتر نمیکرفتند. و پارلمان وقت کمی ۳۹ را کمیته چهل و یک در جمله کمیته‌های چهل گانه به چهل و یکانه. مبدل شده بود. در حالیکه بعضی یوتیوبران. و تیک تاکست‌ها همین موضوع عدد ۳۹ را بلند می‌نمودند و می‌نمایند. که بعضی‌شان (واضح. کار های سی و نوگری دارند و می‌کنند.) ، و باید گفت که به حساب حروف‌آبجد. به ۳۹ دله و دیوس خطاب میشود.

یورش انفجاری دیجیتالی قسمی شده که لنگر سر برنامه سازی های. مبتذل و خیل در یوتیوب و تیک تاک. روز افزون است. و بدی دیگر همینکه. بسیاری‌ها. این برنامه‌های مزخرف. (جکشی) و تشویشی را. (تشویق) ، هم می‌نمایند. و زنگوله را برای ادامه این کار‌ها هم فشار می‌دهند. ، یادشان باشد که اگر تنها ابزار شان. چکش باشد همه چیز. برای شان تبدیل به میخ می‌شود در حالیکه با رشد و گسترش تکنالوجی معلوماتی دیگران.

مشتاق احمد کریم نوری سافراسسکو

به سلسله نوشته های این قلم در امید

مقدم ماه مبارک رمضان این ماه رحمت و مغفرت و نجات از آتش دور و بر همه هموطنان عزیز و کافه امت مسلمه مبارکباد .

مگذار که بگذرد ماه رمضان به هدر

طاعت چنان کن که اثرش برسد به ثمر

دعا می کنیم که به برکت این ماه غفران و شکران صلح واقعی را در افغانستان و جهان ارزانی فرماید حضرت رسول کریم ص پیامبر گرامی ما می فرماید که برای برای هر چیزی ذکاتی است ، و ذکات بدن‌ها رمضان است . واقعا این ماه مهمانی و ضیافت. خداج است که تمکین و آداب خاص را برای عام دارد .

ماه مبارک آمدای دوستان بشارت

کاز سوی حق رسد هر دم اشارت

روز جهانی آموزش بخوان بخوان تا که شوی خوب بدان

و خوش خوان ، و خوش نویسان. این نوشته را به دوست گرامی و خوش نویس عزیز و هنرمند و خطاط برازنده وارزنده وطن جناب مسعود فریادی اهدا می‌نمایم. نویسندگان محترم و شعراً ارجمند که میخواهند دیوان اشعارشان و یا رساله‌های نوشتاری شان را قلمی نمایند با این هنرمند موفق که در ترکیه زندگی می‌نمایند. تماس حاصل نمایند ، مسعود فریادی در جمله کارهای ارزشمندش قرآن عظیم الشان را مکمل و هم سوره‌های کلام ربانی را نیز خطاطی نموده است. او هنرمندی است بدون تعصب و مخلص به بافت اقوام باهم برادر و برابر افغانستان ، او به نان و نمک تمکین دارد، به کانون خانواده التزام دارد، و بر تعهد و پیمان‌ش با خانواده و اجتماع مستحکم است. هکذا احسان فراموش نیست و به کسی ناحق و دور از واقعیت تهمت و بهتان نمی‌بندد . هکذا حسود نیست. و قدسیت هنر رادر پرتوایمانش با وجدان آزاده و با ظاهر و باطن یکسان ، نیکو درک نموده و اخلاقاً از همه مزایای هنری واقف است و به راستی می‌داند که هنر اخلاق است و اخلاق هنر.

فعلا مسعود فریادی مسول نمایندگی اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان در کشور ترکیه می‌باشد او با گلوآژه‌های با محبت و پرحرمت برای یک افغانستان مرفه و با ثبات و مسعود فریاد بلند میدارد و قلمش در خدمت دین مبین ما اسلام عزیز و میهن دوست داشتنی ما و تمکین به مذاهب و آیین‌های انبای بشریت تعهد و تمرکز دارد. امروز روز جهانی آموزش است روزیکه که به پرورش خوب و عالی. تاکید می‌نماید و روزیکه سواد آموزی را حق مسلم بشریت و از جمله اولویت‌های آدمیان محسوب می‌نمایند. و انسان‌های که در توسعه و گسترش علم و دانش سعی نمی‌نمایند و حتی در پی توسعه و سبو تاژ. بی‌دانشی اند. مورد نفرت همگانی قرار می‌دهد و یا قرار می‌گیرند . دین مبین ما اسلام عزیز به خوانش تاکید و تایید می‌دارد اقرا باسم زبک‌الذی خلق (بخوان به نام پروردگارت / روز جهانی آموزش.

نه چندان دور فقط یک سال قبل از کرونا و یا اگر دقیق بگویم که ۳۸۲ روز قبل از کرونا و یا کوید زده. روز جهانی آموزش و درس و سواد. در سوم دسمبر ۲۰۱۸ در مجمع عمومی سازمان م م در نیویورک. مرکز ثقل فرهنگها. و تمدنها، روز جهانی آموزش. و فرا گیری سواد با فیصله و صدور قطعنامه. مجمع عمومی سازمان ملل متحد. به تصویب رسید و روز جهانی آموزش و سواد آموزی. هسته‌گذاری گردید توانا بود هر که دانا بود - به دانش دل پیر برنا بود- در (کنفرانس روم) و (اطاق خبر) سازمان ملل متحد طنین این صدا پیچید و همه. اعضای کشور های عضو شامل چنبره سازمان ملل و داخل و شامل نقشه هستی. از آن استقبال نمودند و پای آن امضا نمودند و برای تعمیم و توسعه و گسترش آن تعهد نمودند. افغانستان. از اولین کشور های است که عضویت سازمان ملل متحد را بدست آورده. و در ردیف A همواره. حق سخنرانی را داشته. ، هر چند. کرسی این کشور در آن سازمان. به شکل معلق و یا هم معلق قرار دارد. و دور نمای این غیابت در هاله از ابهام و اتهام. قرار دارد. ، که این ملتوی بودن هم بیشتر. افغانستان را. در حاشیه قرار می‌دهد. همین روز ها کنفرانس. زیر عنوان اینکه درس و تحصیل حق مسلم زنان و دختران است با حضور ۱۵۰ نماینده از ۴۶ کشور جهان با تاکید و تایید. که فر اگیری حق مسلم. دختران و زنان افغانستان است و با قطعنامه. صادر شد و حامد کرزی و داکتر عبدالله و حنیف اتمر و امر الله صالح از این فیصله و قطعنامه جانبداری کردند ، ملاله یوسفزی پاکستانی و برنده جایزه صلح. هم گفت که او خواهان لغو ممنونیت‌ها بر علیه دختران افغانستان. است. او گفت که این کنفرانس به مرام خود نمی‌رسد. که اگر از تحصیل دختران چشم پوشی کنند. این کنفرانس. به درس و تحصیل دختران. ترکیز نمود. و ادامه این بندش درس و تحصیل را ، این کنفرانس زن ستیزانه و شرم آور خوانده است . در روز جهانی دانش و یا. آموزش و سواد و پرورش. نیک ، از مارکوس هائو رلیوس یاد شد که. فشرده گفته که شخص نادان به کسب علم و دانش نمی‌پردازد زیرا خود را دانا می‌پندارد و بد بحتی اشخاص نادان

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 33, Issue No. 9, JANUARY 21, 2025, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۲۵ ارسال دارند. تلفون ۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

عبدالباقی طبیب اصفهانی

بزم محبت

غمش در نهانخانه دل نشیند
به نازی که لیلی به محمل نشیند
به دنبال محمل چنان زار گریم
که از گریه ام ناچه در گل نشیند
خلد گر به پاخاری آسان بر آرم
چه سازم به خاری که درد نشیند
پی ناقاش رقتم آهسته ترسم
غباری به دامان محمل نشیند
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
ز بامی که برخاست مشکل نشیند
عجب نیست خندداگر گل به سروی
که در این چمن پای در گل نشیند
بنازم به بزم محبت که آنجا

گدایی به شاهی مقابل نشیند
طبیب از طلب در دو گیتی میاسا
کسی چون میان دو منزل نشیند؟

توضیحی درباره بیت مشهور

همان گرچه عزیز است به مانند نفس
میکشد گر به درون آید و بیرون نرود
از قدیم گفتن مهمون حبیب خداست ولی وقتی می یاد لنگر می
اندازه و قصد رفتن نداره دیگه نمی شه بهش بگی حبیب خدا!
پنج شبه تو خونه تنها بودم و شاد و خرم آهنگ گوش می دادم و
با خوراکی های مختلف از خودم پذیرایی می کردم که تلفن
زنگ خورد یکی از فامیله بود (بن فامیل ما سراغی از کسی نمی
گیره مگر اینکه به مشکل داشته باشه یا پول لازم داشته باشه) حال
و احوال پرسید و شماره خونه عمه هام رو گرفت دو ساعت بعد
زنگ زد گفت درو باز کن من جلوی در خونه تون هستم!!!
حالا منم تعجب که این آقا بعد از دو سال که از ما سراغی نگرفته
چه کارمون داره! بهش میگم مامان و بابام نیستن می گه حالا درو
باز کن. خلاصه اومد دیدم بله سامسونت و لباس هاش رو هم با
خودش آورده و قصد موندن داره تا منو دید گفت ماشالا چه
بزرگ شدی!

بعد مامان و بابام اومدن و آقا سفره دلش باز شد و گفت باز زنش
دعواش شده و از خونه رفته بیرون عمه هام خونه نبودن که بره
اونجا بنابرین جایی بهتر از خونه ما پیدا نکرده شب شد و ما منتظر
بودیم بره خونه اش آقا تازه رفت شلوار تو خونه ای پوشید نشست
به فیلم نگاه کردن! آدم چقدر می تونه پررو باشه آخه؟

چند روز صبر کردیم ولی نرفت. دبروز مامانم رفت رو منبر که
اقا هیچ جا خونه آدم نمی شه می خوی بازنت حرف بزنی
آشتیون بدیم بری سرخونه و زندگیت؟ جواب داد نه نه به وقت
بهش زنگ نزن. مامانم به هر دری زد که به زبون بی زبونی بهش
بگه لباساتو جمع کن برو خونه ات به هدفش نرسید.

مامانم عاشق مهمون داریه همیشه میگه آدم نباید با دوست و فامیل
رفت و آمدش رو قطع کنه. ولی این یکی فامیل ما خیلی پررو
هستش موقعیکه خودش مشکل داره از همه طلب کمک میکنه ولی
وقتی بقیه مشکل دارن گم و گور می شه. تا حالا به یاد ندارم برای
احوال پرسى زنگ زده باشه خونه ماهرو وقت زنگ زده
کارداشته، تو فامیل ما زن و شوهرها آگه دعواشون بشه هیچ وقت
سنگر روترک نمیکنن و قهر نمی کنن از خونه برن بیرون حتی شده
صبح تا شب دعوا می کنن و ۴ تا کاسه بشقاب می شکنن ولی
خونه روترک نمیکنن آگه کاسه صبرشون هم لبریز شه به دفعه
بقیه رو سورپرایز میکنن و می گن داریم طلاق می گیریم! مرحله
قهر و این بره خونه بابا و اون یکی بره منت کشی نداریم کاررویه
سره میکنن و میرن دادگاه. نمی دونم این یکی فامیل چرا استشنا
شده حالا آگه زنش قهر می کرد می رفت باز به چیزی خودش
قهر میکنه! دبروز خبر رسید که این فامیل ما پارسال رفته بوده
خونه ی عموم یک ماه لنگر انداخته بوده حالا من خنده ام گرفته
بود به مامان می گفتم مامان سه هفته دیگه باید مهمون داری کنی
مهمون حبیب خداست مامان هم با عصبانیت می گفت نخند ولی
من بیشتر می خندیدم!

عبدالناصر نورزاد

امنیتی سازی و بحران ناشی از آن

در چارچوب مطالعات امنیتی و در حوزه مفهومی آن،
امنیتی سازی یک روند معمول، متعارف و در بسا موارد رویکرد
معمول دولت ها برای اهداف و اقدامات خاص امنیتی، پنداشته
می شوند. از اینکه امنیتی سازی (Securitization) مفهومی در
حوزه مطالعات امنیتی و روابط بین الملل است که به فرآیند
تبدیل یک موضوع به یک مساله امنیتی اشاره دارد. امنیتی
سازی به مثابه اقدامی است که یک دولت، سازمان، یا گروهی
خاص یک موضوع را به عنوان تهدیدی حیاتی برای بقا و امنیت
معرفی کند و با استفاده از این ادعا، توجیهی برای اتخاذ اقدامات
فوق العاده (مانند محدودیت های قانونی، افزایش بودجهی نظامی،
یا حتی اقدامات نظامی) فراهم آورد. بناء خالی از مفاد نخواهد
بود در قالب آن، به بررسی بحران مستمر امنیتی و بی ثباتی سیاسی
و اقتصادی در افغانستان، بپردازیم. چون اساساً، این مفهوم توسط
مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی معرفی شد و همانند مفاهیم
دیگر مطالعات امنیتی مانند مجموعه امنیت منطقه ای، معماری
امنیتی، می تواند ما را به مسیر نسبی تحلیل رخداد ها و انکشاف
حوادث امنیتی در آینده سوق دهد.

بدیهی است که بحران افغانستان که معلول مداخلات
قدرت های بزرگ، منطقه و همسایه های آن است. اما روی علت
اصلی این بحران که معلول این فرایند امنیتی سازی می تواند
محسوب شود، کم تر تماس گرفته شده است. مسایلی مانند
مهاجرت غیر قانونی، تروریسم، بیماری های همه گیر و تغییرات
اقلیمی، همه در قالب فرایند امنیتی سازی در تفکر امنیتی و
اقدامات متعاقب آن در رویکرد های کشور های بیرونی در قبال
مساله افغانستان، تبلور یافته اند. برای عبور از مولفه های نظری
فرایند امنیتی سازی، تنها به تشریح مراحل امنیتی، می پردازیم.
این مراحل شامل سخن پردازی امنیتی (Speech Act) (معرفی
یک موضوع منجبت یک تهدید دولت یک دولت)، پذیرش
عمومی (Public Acceptance) (قبول این تهدید از طرف
جامعه و گروه های تاثیر گذار) و اقدامات امنیتی
(Extraordinary measures) (اتخاذ اقدامات خاص و غیر
عادی امنیتی توسط دولت) است که قدرت های بزرگ و عمدتاً
دولت ها در پهنای آن، به توجیه اقدامات امنیتی و سخت خود به
آن می پردازند. مساله امنیتی سازی، یک رویکرد معمول قدرت
های متخاصم در خصوص مساله افغانستان بوده که همواره به آن
دست بازیده اند.

نیاز است تا در مورد امنیتی سازی مساله افغانستان، روشنی
بیشتری انداخته شود. فرآیندی که در آن بازیگران داخلی و
بین المللی، مسائل مربوط به افغانستان را به عنوان تهدیدی امنیتی
برای خود معرفی کرده و اقدامات ویژه ای برای مقابله با آن انجام
داده اند. این روند طی چند دهه گذشته تحت تاثیر عوامل مختلفی
از جمله جنگ، تروریسم، مواد مخدر، مهاجرت و رقابت های
منطقه ای شکل گرفته است. اگر قصد بر این باشد که بحران
امنیتی افغانستان، ریشه یابی گردد؛ مساله امنیتی سازی در جنب
موضوعات بررسی جایگاه افغانستان در مجموعه امنیت منطقه ای
و معماری امنیت در این کشور، باید همواره کاوش، بررسی و
موشگافی دقیق و عمیق قرار گیرند. این کار به ما فرصت می دهد
تا فراتر از تحلیل های کلیشه یی، عام فهم و معمول، به عمق یابی
بهرتر و بیشتر بحران امنیتی در افغانستان، دست یابیم.

تذکر می دهم که هدف ما فراتر از بحث های تیوریک و
سطحی ای است که اکثریت تحلیل گران، آن را علت اصلی بحران
در افغانستان می دانند. به طور مثال در حالیکه ما مراحل امنیتی
سازی در خصوص بحران امنیتی افغانستان را قبول می کنیم، تلاش
داریم تا به موضوعات معمول مطروحه در خصوص موضوعات
امنیتی شده، نگاه دیگری داشته باشیم. در ادامه باید اذعان
گردد که امنیتی سازی، مبنای تفکر امنیتی، رویکرد سیاسی و بن
مایه نگاه ژئوپولیتیک، سایر کشورها از جمله همسایه ها، منطقه و
فرمانطقه در برابر افغانستان، است که بی آمد آن، بی ثباتی منطقه
ای و استمرار بحران ثبات و امنیت در افغانستان، بوده است.

در راستای تحلیل این سوژه امنیتی سازمانی ما هیئت
اصلی رقابت های قدرت های منطقه ای (ایران، پاکستان، هند، چین،
روسیه و آمریکا) که افغانستان را به صحنه ای برای جنگ های
نیابتی و دخالت های امنیتی تبدیل کرده، نگاه مشخص تری داشته
باشیم.

در ادامه، بر مبنای همین طرز فکر تحلیلی است که می
توانیم بگویم که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱،
کشورهای جهان و حتی مردم افغانستان به این باور رسیدند که
جنگ با تروریسم یک ضرورت امنیتی است. اما در سال های
اخیر، برخی کشورها و تحلیلگران، تغییر تحلیل داده اند و به این
نتیجه رسیده اند که امنیتی سازی افراطی افغانستان در برخی موارد
توجیهی برای حضور نظامی خارجی و اعمال فشارهای سیاسی
بوده است. بر علاوه، می توانیم با جستار ادعا کنیم که مداخله
نظامی سال ۲۰۰۱ آمریکا و ناتو در افغانستان نتیجه مستقیم یک
روند امنیتی ساز، این کشور بود. بهمین علت حملات هوایی
و عملیاتی نظامی گسترده آمریکا و متحدانش در قالب سازمان
ناتو، باعث افزایش ناراضی مردم و تقویت گروه های تروریستی
خطرناک در افغانستان و منطقه شد.

در ضمن، در سطح داخلی، در دوره های مختلف،
دولت های افغانستان شروع از سال ۲۰۰۱ تا سقوط جمهوریت در
سال ۲۰۲۱ با استناد به امنیت ملی، مخالفان خود را سرکوب
کردند. به همین سان، در حال حاضر طالبان نیز از امنیتی سازی
برای توجیه اقدامات خصمانه، سرکوب گرانه و خلاف حقوق
بشری خود علیه رسانه ها، فعالان و مخالفان سیاسی استفاده
می کنند. همچنان، به علت همین اقدامات امنیتی ساز، سطح
تهدیدات امنیتی از جانب گروه های تروریستی مانند داعش
خراسان، گروه های تروریستی از کشورهای آسیای میانه، بسیار
بلند است. زیرا، امنیتی سازی مداوم و عملیات های نظامی باعث شد
برخی گروه ها مانند داعش-خراسان در افغانستان ظهور کنند.

همچنان، با وجود سقوط نظام جمهوریت تحت حمایت
واشنگتن، حاکمیت گروه تروریستی طالبان و ایجاد چتر مطمئن
برای سایر گروه های تروریستی در داخل خاک افغانستان،
حملات این گروه ها در کابل و سایر شهرها همچنان امنیت عمومی
را تهدید می کند. اما تمام مباحث تیوریک در خصوص امنیتی
سازی مساله افغانستان، آنچنانکه در قالب اقدامات امنیتی ساز کشور
های پیرامونی ادعا می شود، نیست. مثلاً موضوع تروریسم که
قدرت های منطقه و فرمانطقه آنرا توجیهی برای اقدامات امنیتی
خود حساب میکنند، در اصل منبع و خروجی آن، خود این کشور
های قدرتمند هستند. مواد مخدر که یکی از مسایل امنیتی ساز در
خصوص بحران افغانستان است، منبع تامین برنامه های استخباراتی
کشور های ذیدخل در قضیه افغانستان، حساب می شوند واز آن
سود فراوانی می برند. موضوع عمق استراتژیک که یک مبحث
واقع گرایانه است، یکی دیگر از علت های مزید امنیتی سازی
قضیه افغانستان و مداخله دوامدار کشورهای ذینفع در آن، حساب
می شود.

همین طور، تلاش برای داشتن سلطه در فضای
ژئوپولیتیک، نشان از نیت غیر موجه کشورهای همسایه، منطقه و
فرا منطقه در خصوص قضیه افغانستان، است که در قالب نظریه
امنیتی سازی، همواره توجیه شده است. مساله جدایی طلبی که
مبحث جدی و یکی از تهدید های بالقوه در برابر امنیت منطقه و
تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهای پیرامونی در خصوص
افغانستان، حساب می شود، بستر مساعدی را برای بازی های امنیتی
در میدان افغانستان برای کشورهای دارای نفع امنیتی، سیاسی،
اقتصادی و ژئوپولیتیک، مساعد ساخته است.

نتیجه گیری: در این شکی نیست که امنیتی سازی، یکی از
علت های بنیادی، تعمیق، تداوم و استمرار بحران امنیتی، بی ثباتی
سیاسی و فقر و منبع بروز تهدید های متنوع امنیتی در افغانستان
بوده است. در عین حال که، امنیتی سازی، یکی از مولفه های
اساسی دیدگاه ژئوپولیتیک و یکی از بنیاد های سیاست خارجی
کشور های پیرامونی می باشد. همچنان، این روند امنیتی سازی،
برای نیل به اهدافی از جانب کشورهای مختلف، طراحی شده
است. بطور این کشورها مبنای ساختن قضیه افغانستان، زمینه
استفاده بهینه و نگاه فرصت طلبانه و سودجویانه را برای کسب منافع